



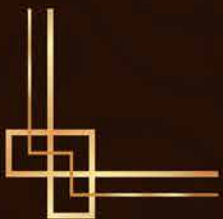
فصلنامه علمی-دانشجویی



حقوق و اقتصاد

شماره سوم، بهار ۱۴۰۱

انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی





شناسنامه



عنوان: حق الیقین

زمینه انتشار: علمی- دانشجویی

ترتیب انتشار: فصلنامه

شماره انتشار: سوم

تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر مسئول: فرشاد حمیدزاده

سردبیر: شهاب‌الدین کفاش چیان

استاد ناظر: دکتر بهمن زاهدی

کارشناس نشریات دانشگاه: مهندس میترا اجودی

تاریخ و شماره‌ی مجوز: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ | ۱۷۸۸/ف/م

تاریخ و شماره آخرین تغییرات: ۱۴۰۰/۹/۲۳ | ۳۹۱۲/ف/م

هیئت تحریریه: دکتر سیمین یاری - معصومه بابانژاد

همکاران این شماره: رقیه عطایی- زهرا ولی نژاد روح بخش- فرشاد حمیدزاده- مرتضی هژیر- نیلوفر صادق زاده- هانیه مولایی-

رضا امیری- ندا دانشیان- هانیه موسوی- امیرحسین صادقی

ویراستار: شهاب‌الدین کفاش چیان

طراح و صفحه آرایی: عرفان پورعبدل | سانیا آقاپور قوجه بیگلو

راه‌های ارتباطی با ما:

آدرس: اردبیل - دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، طبقه اول، دفتر انجمن های علمی

شماره تماس انجمن: ۰۹۱۴۷۴۴۲۴۹۱ | شهاب‌الدین کفاش چیان (دبیر انجمن علمی ادیان و عرفان)

@hagholyagin.uma

@adyanvaerfan.uma

@AoErfan_uma

فهرست مطالب



۶.....	سخن سردبیر.....
۷.....	ارتباط ارگانیک جان، خبر و عدم نزد مولانا جلال الدین محمد.....
۱۲.....	اماکن زیارتی و تاریخی ایران.....
۳۷.....	غزلی از مولانا.....
۳۸.....	سخنرانی عشق و زیبایی الهی از دکتر الهی قمشهای.....
۴۵.....	معرفی کتاب.....
۴۷.....	جدول کلمات ادیان و عرفان.....
۴۹.....	به یاد استاد علی غفاری.....
۵۵.....	مصاحبه.....
۵۸.....	نیم نگاهی به فعالیت‌های انجمن.....
۶۶.....	معرفی منابع کنکور (کارشناسی ارشد).....

سخن سردبیر



به نام و یاد خداوند منان

امام علی (ع):

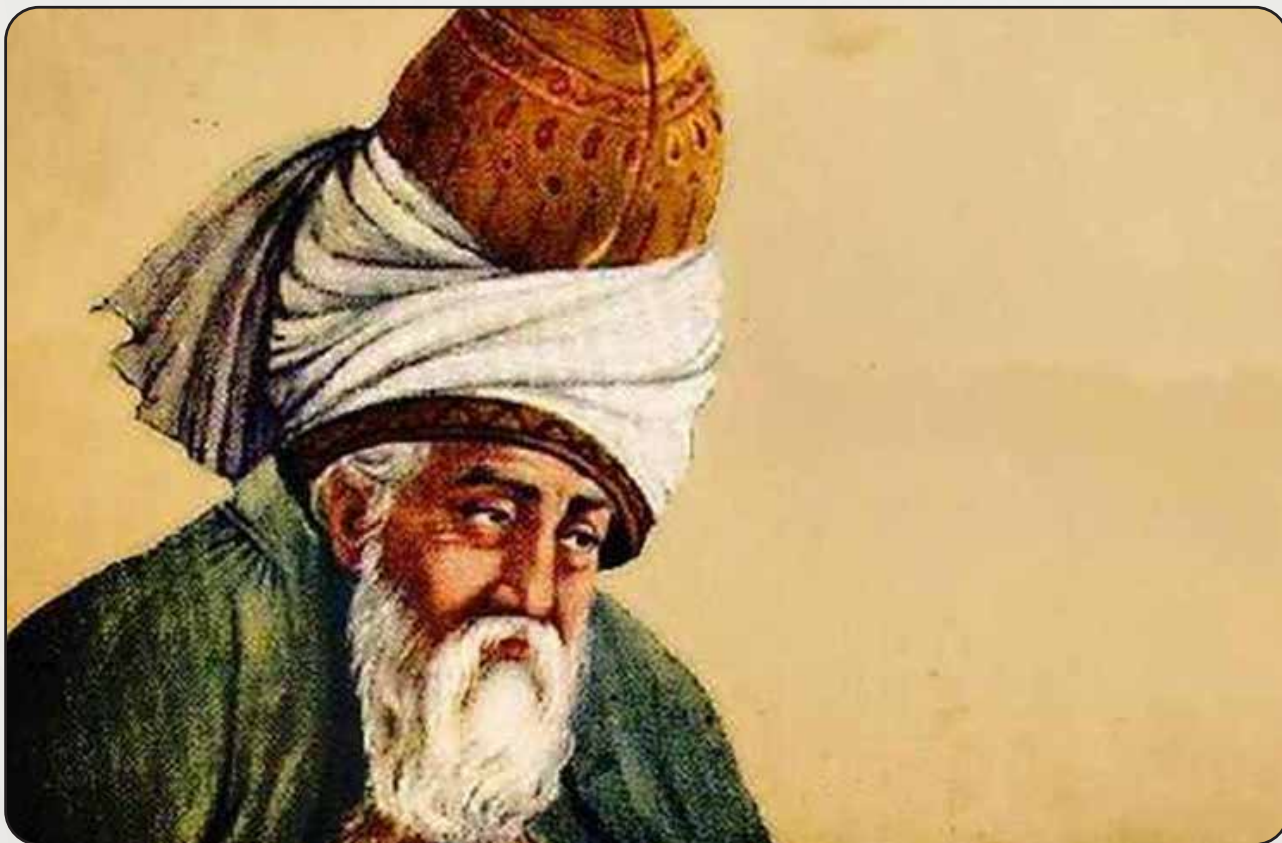
هر قدر دانش انسان افزون تر، ارزش وجودی او بیشتر

ادیان الهی از دیرباز تا کنون همواره سعی بر این دارد که انسان را به شناخت و شناخت خدا برساند. عرفان روشی است که میتوان به وسیله کشف و شهود به شناخت قلبی نیز رسید. عرفان به معنای شناختن است، عرفان از متمرکز کردن توجه و حواس به درون و باطن پدید می‌آید که با کمک عرفان است که میتوان به سیر و سلوک رسید تا گام به گام انسان به خداوند نزدیکتر شود. خداوند را شاکرم که در اولین تجربه سردبیری در نشریه حق الیقین حضور دارم، از اساتید و دانشجویان ادیان و عرفان که در شماره‌های قبل و این شماره حق الیقین تلاش و کمک کردند کمال تشکر و قدردانی را دارم. و امیدوارم که مطالب این شماره از نشریه هم در جهت افزایش درجات علمی دانشجویان عزیز مثمر ثمر و مورد رضایت واقع گردد.

با تشکر

شهاب الدین کفاش چیان





ارتباط ارگانیک جان، خبر و عدم نزد مولانا جلال الدین محمد

سیمین یاری (مدرس دانشگاه محقق اردبیلی)

چکیده

بین «خبر و عدم و جان» ارتباط عمیقی در مثنوی وجود دارد. خبر در نگاه مولانا، غیر از آن چیزی است که در علم نحو، تاریخ، اصول فقه، لغت و غیره کاربرد دارد. خبری که مولانا از آن سخن می‌گوید نه یک علم تثبیت شده، بلکه زاینده و مستمر و بی‌پایان است. مولانا می‌گوید خبرهایی که از بیرون، اعم از منقول و غیر منقول، می‌آیند باید کنار گذاشته شوند؛ چون چنین اخباری از طریق چشم و گوش می‌رسند. آن خبرهایی را باید ارج نهاد که به جان، قوت می‌بخشند و از درون آدمی می‌جوشند. اینکه مولانا می‌گوید: جان، خبر است، خبر در اینجا نه علم حضوری است و نه علم حصولی (حصولی به معنای تطابق ذهن با عین). خبر مولانا ایستا نیست بلکه مانند آب، در جریان است.

«جان» در اصطلاح مولانا، ذیل واژه‌ی نفس نمی‌گنجد. از منظر مولانا، جان، با خبر، تعالی پیدا می‌کند و هر چیز دیگری را مطیع خود ساخته و در واقع به عدم و یا به عبارتی به فنای فی‌الله رسیده و در عالم حقیقت سکنی می‌گزیند. عدم در معنای معمول و عرفی آن، با مفهوم عرفانی‌اش فرق عمیقی دارد: «یکی از معانی عدم، مفهوم عرفی متداول است، مرادف فنا و نابودی، که مقابل وجود و بقا است. مولانا در مثنوی لفظ عدم را در معانی گوناگون به کار برده است. از قبیل: عالم ممکنات، رفع اوصاف بشری، نقیض وجود، عالم وحدت، عالم لاتعین الهی و گاهی عالم غیب. با لحاظ مضامین عرفانی، عدم در منظر مولانا، همه چیز است. او در عالم عدم می‌زید. خودش می‌گوید که من در عدم غلطیده‌ام. مولانا روایتگر عدم است نه وجود. حتی قوه‌ی تخیل نیز نمی‌تواند عدم را ترسیم نماید. صدها هزار آثار غیبی، می‌توانند از متن

عدم بیرون بیابند. عدم، همان من نهایی و وجود مطلق است که همه چیز، تجلی‌گاه اوست.



اگر آگاهی نباشد به مرگ می‌انجامد. زیرا جان وابسته به آگاهی و خبر است. خبر از شیخ و انسان کامل و آگاهی از تجربه‌های معنوی و روحی، سبب حیات جان و رسیدن به فنا فی الله می‌شود. بدون خبر، نمی‌توان به مرحله‌ی ایمان رسید. بی‌خبری، کفر است. هر چقدر که این آگاهی‌ها بیشتر باشد جان او نیز نیرومند تر است. علت کامل بودن روح انسانی و برتری روح انسانی نسبت به روح حیوانی، آگاهی اوست. خبر، ملاک کمال دانایی است (زمانی، ۱۳۹۱: ۸۱۶).

انقروی کافر و مرده را کسی می‌داند که از ایمان و جان شیخ غافل بماند: در نزد اصحاب طریقت، کافر کسی است که از ایمان آن شیخ که وارث حضرت نبی است غافل باشد. انقروی جان شیخ کامل و به خدا پیوسته را «عین تجلی رحمانی» می‌داند و بر آن است که «هر کس که از آن حیات حقیقی بی‌خبر باشد در واقع او با جهل و غفلت مرده است. از منظر انقروی جان در مقام تجربه، همان خبر از خدای یگانه می‌باشد؛ بنابراین هرکس خبر و عملش راجع به خدای متعال بیشتر باشد، جانش نیز فزون‌تر است (انقروی، جلد ۶، ۱۳۸۸: ۱۱۰۴).

از منظر دکتر شهیدی، کسی که قدرت درک حقیقت را نداند و اولیای حق را نشناسد بی‌جان است. شخصی که ادراک عمیقی دارد از جان روشن‌تری برخوردار است. رتبه‌ی ادراک، آدمی را بالاتر از حیوان می‌نشانند. همین آدمی اگر به مقام اولیای حق نایل آید بر فرشتگان سبقت می‌جوید. چنین اشخاصی در ردیف خداوندان دل قرار می‌گیرند و مسجود ملائک واقع می‌شوند. چرا که حقیقت را بی‌وسیلت از پروردگار فرا می‌گیرند (شهیدی، ۵۰۴).

هرگاه روح به واسطه‌ی آگاهی و خبر، کاملتر و نیرومندتر شود آنگاه، از حد گذشته و به بی‌نهایت می‌پیوندد. (زمانی، ۱۳۹۱: ۸۱۸). در واقع، به واسطه‌ی انداخته شدن خلعت آگاهی بر دوش انسان، جان به مقام خدایی می‌رسد. روح، مستقل از بدن است و وقتی به نفسانیات می‌پردازد تیره و تباه می‌گردد. بنابراین برای نجات روح از اسارت باید از امور نفسانی خودداری کرد. روح، با نفس اماره تعارض دارد و کان علم و فضل و هنر است. روح، بر خلاف جسم، ثبات و اصالت دارد، روح، منشأ افکار و مُدرک زیبایی‌هاست و اعتبارش به تجلیات روح بستگی دارد. در غیر اینصورت از مقام و مرتبه‌ی آن کاسته می‌شود.

هر چه خدا بر روح، تجلی بیشتری داشته باشد شأن روح هم افزایش خواهد یافت (زمانی، ۱۳۸۶: ۲۵۴-۲۳۹).



جان محل وحی است. بدیع الزمان فروزانفر معنای وحی را به معنی مصطلح آن در شریعت و نزد متکلمین نمی‌داند. بلکه به این معنا در نظر می‌گیرد که به واسطه‌ی یقین و ایمان، باطن خود را جلا دهیم تا محل انعکاس صور غیبی باشد و جان، مستعد ظهور اسرار گردد و نیزگوش جان، نغمات را ادراک کند (فروزانفر، ۱۳۷۱: ۵۴۷-۵۴۶). مولوی می‌گوید من از عدم شکسته‌تر نیستم. خداوند اراده می‌کند این همه مخلوق را از دهان عدم به وجود آورد تا چه رسد به من که برایم وجود بخشیده است. پس اگر خداوند اراده کند می‌تواند به من اراده‌ای بخشد که بتوانم او را توصیف کنم (زمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۴۲). نیکلسون در این باره گفته است: خداوند همانگونه که عالم را از عدم یعنی از قابلیت محض به وجود فعلی آورد می‌تواند شاعر را علی‌رغم هیچی و تذلل نفس زبان گویای اسرار بی‌شمار خود سازد (نیکلسون، ۱۳۷۸: ۱۹۶۶).

مقصود مولانا از عدم، نیستی نقیض هستی نیست. بلکه عدم، هستی مطلق است. این عدم است که منشأ تولید هستی‌های دیگر است که ممکن است برای یکی خوش و برای دیگری ناخوش آید. نیکلسون نیز معنای «عدم» را به معنای فانی الی الله می‌داند (همان، ۱۳۹۱).

عدم به معنای جهان عشق است. برخی عشق را به معنای ذات الهی دانسته‌اند (زمانی، ۱۳۹۱: ۱۲۰۱-۱۲۰۰). در این تعبیر، ذات الهی همان عدم است. خدا همان عدم است. تمام سرمایه‌های مولوی عشق است؛ اما او این سرمایه‌های نفیس را هم عدم می‌نامد. عدم به این معنا چیزی جز هستی نیست. دریای عدم، چنان پهناور و گسترده است که حتی عقل نمی‌تواند به آنجا راه بیابد. در نگاه مولانا، صنوع و صانع را فقط می‌توان در کارگاه نیستی یافت. درخشش خورشید از عدم، نشأت می‌گیرد. هستی از عدم، تولد می‌یابد. عدم، امید و ریسمان وثیق عابدانی است که جبین سپاس بر آستان حق می‌سایند. هستی، نمودی از عدم و انعکاسی از نیستی است. بحر نیستی، اشاره به عدم دارد. مراد، حقیقت الهی است. از وجود حقیقی، با عنوان عدم و نیستی یاد کرده است، عدمی که بی‌تعیین و در عین حال اصل کارگاه صنع است (زمانی، ۱۳۹۱: ۴۲۲-۴۲۱). فنا نزد مولانا به معنای دگرپسی و استحاله است نه به معنای حلول و اتحاد. فنا مقدمه‌ی بقاست. فهم بقای بعد از فنا برای عقول جزئی‌نامیست است و اختیار انسان را نفی نمی‌کند (زمانی، ۱۳۸۶: ۵۸۷، ۵۹۰ و ۵۹۴).

مولانا زبان گویای بی‌خبر از خویش کلام الهی شده است. کلامی که منبع الهام اوست و خود سراپا در آن مستغرق شده

است. او که غرقه‌ی دریای فیض کل است و با جان نماز یکی شده است و می‌تواند به دل‌های همه‌ی عبادت‌کنندگان راه جوید (نیکلسون، ۱۳۷۸: ۱۰۹۸).

منابع:

- ۱- انقروی، رسوخ الدین اسماعیل، شرح کبیر انقروی بر مثنوی معنوی مولوی، ترجمه: ستارزاده، عصمت، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲- بدیع الزمان فروزانفر، شرح مثنوی شریف، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
- ۳- زمانی، کریم، شرح مثنوی معنوی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۹۱.
- ۴- زمانی، کریم، میناگر عشق، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
- ۵- شهیدی، سید جعفر، شرح مثنوی، ناشر چاپی: انتشارات علمی و فرهنگی، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ی قائمیه‌ی اصفهان.
- ۶- نیکلسون، رینولد الین، شرح مثنوی معنوی مولوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.



نگاه ابن عربی به زن به عنوان مظهر جمال الهی اختصاص دارد. از نظر شیخ اکبر انسان چه زن و چه مرد از عشق الهی و از اسم جمیل الهی سرچشمه گرفته و همه موجودات مظهر جمال خداوند هستند اما زن مهم‌ترین و کامل‌ترین مظهر این جمال است. زن و مرد در اصل انسانیت باهم برابرند و انسانیت حقیقی میان این دو گروه انسانی، جامع و مشترک است. زنان از هیچ کمال و مرتبه‌ای مهجور نبوده چنانکه حتی در مرتبه والای ولایت و قطبیت که در نظر ابن عربی در مرتبه‌ی ورای نبوت است، می‌باشند. زن آینه‌ایست که مرد خود را در آن می‌بیند و با عشق به او به حق عشق می‌ورزد و این عشق او را به مبدئی که از آن خلق شده و همان اصل و هستی اوست می‌رساند. ابن عربی حضور و وجود زنان را در نظام ارشادی و عرفانی خود لازم دانسته و بدون وجود زنان این نظام عرفانی را ناقص می‌شمارد.

منبع: زن و زیبایی از نظر ابن عربی، محمدرضا اسفندیار و سیمین مولایی بیرگانی



اماکن زیارتی و تاریخی ایران

معصومه بابانژاد (دانشجوی کارشناسی ارشد عرفان اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی) / فرهاد حمیدزاده (دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی)

حضرت عیسی (ع) مقارن با سلطنت فرهاد پنجم پادشاه اشکانی، در فلسطین (بیت اللحم) متولد شد. سه تن از روحانیون مجوس (ایرانی) در کلیسایی مقام مقدس یافتند. این سه تن، از اهالی آوه یا ساوه بودند. سفر این هیئت روحانی ایرانی به زادگاه مسیح (ع) مقارن تولد حضرت مسیح (ع) بوده و طبعا اشنایی ایرانیان با آیین مسیح (ع) کم و بیش به اوایل قرن اول میلادی باز می گردد. مناطق غربی کشور ایران به دلیل مجاورت با سرزمین شام و فلسطین زودتر از سایر نقاط ایران در معرض نفوذ مسیحیت قرار گرفته است. شهر اورفا در شرق رود فرات که در قلمرو اشکانیان قرار داشت، پس از گذشت یک قرن از تولد عیسی (ع) مرکز نشر مسیحیت گردید. اولین کلیسای مسیحی ایران در این شهر بنا نهاده شد و مسیحیت به تدریج از طریق بین النهرین به تمام خاک ایران راه یافت.

فهرست برخی مساجد و کلیساهای ایران:

مسجد کبود تبریز	مسجد نصیرالملک
مسجد امام اصفهان	مسجد وکیل شیراز
مسجد جامع یزد	مسجد گوهرشاد مشهد
مسجد جامع فهرج یزد	مسجد نو شیراز
مسجد جامع عتیق	مسجد جمعه اردبیل

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------|
| کلیسای آشوریان قزوین | کلیسای مسروپ مقدس، اهواز |
| کلیسای پروتستان تبریز | کلیسای سرکیس مقدس |
| کلیسای مریم مقدس (اردبیل) | کلیسای شوفاگات مقدس |
| کلیسای مریم مقدس (تهران) | کلیسای والک |
| کلیسای مریم مقدس (تبریز) | کلیسای چوپان |
| کلیسای مسروپ مقدس، اراک | کلیسای سنت ایکولاس |
| کلیسای پنطی کاستی | کلیسای انجلی |
| کلیسای قریس | کلیسای مریم مقدس (دره شام) |
| کلیسای تادلوس مقدس | کلیسای سنندج |
| کلیسای مسروپ مقدس، رشت | کلیسای مریم مقدس (شیراز) |
| کلیسای مسروپ مقدس، مشهد | کلیسای استفانوس مقدس |
| کلیسای هر بیسیمه مقدس، قزوین | کلیسای کنورگ مقدس (هفتون) |
| کلیسای ملهدان | کلیسای مریم مقدس، بندر انزلی |
| کلیسای گئورگ مقدس، بوشهر | کلیسای موجومبار |
| کلیسای لنه مریم | کلیسای سورپ سرکیس |
| کلیسای کاتولیک‌ها (تبریز کلیسای توما) | کلیسای بیت اللحم |
| کلیسای گریگوری استفان مقدس | کلیسای حضرت مریم، آبادان |
| کلیسای مریم و هاکوپ | کلیسای شمعون غیور |
| کلیسای زور زور | کلیسای هوهانس مقدس |
| کلیسای گریگور لوساووریچ | کلیسای سرخ اباد |
| کلیسای کارایت مقدس | کلیسای تارگمانچاتس مقدس |
| کلیسای حضرت ابراهیم | کلیسای گئورگ مقدس |
| کلیسای قلب مقدس | کلیسای کانتور |

مسجدهای ایران:

مسجد کبود تبریز:



«مسجد کبود تبریز» یکی از زیبا ترین مسجدهای ایران، متعلق به قرن نهم هجری قمری و باقی مانده از دوران پادشاهی قراقویونلوها است که، «صالحه خانم» دختر سلطان جهانشاه دستور ساخت این مسجد شگفت انگیز را در سال ۸۴۵ هجری قمری داد. این مسجد با نام «مسجد جهانشاه» هم شناخته میشود. به کار رفتن کاشی‌های لاجوردی در ساخت این مسجد قدیمی باعث شده تا نام مسجد کبود را برای آن انتخاب کنند و به دلیل وجود کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ به مسجد کبود تبریز لقب «فیروزه اسلام» یا «آبی‌ترین مسجد ایران» را نیز داده‌اند. دردوره‌ی تیموری تا قرن دهم با توجه به رشد تصوف، و رواج و رونق مذهب و عرفان و تصوف در تمام وجوه زندگی مردم، آذربایجان مهد تصوف و مذهب حروفیه شد، و باعث تحولات مذهبی در مساجد و مدارس و آرامگاهها و... گردید که مسجد کبود نیز یکی از آنها بود؛ نگارش مفاهیم آیات قرآنی، دعایی، حدیثی، ذکر امامان شیعه بخصوص حضرت علی(ع) برای نوشتن کتیبه‌های آن اختصاص یافت، مثل: مضامین قرآنی جلاله الله، الحمدالله، الله اکبر، لاله الله. کلمه الله در این مسجد تحت تاثیر مفاهیم عرفانی و تصوف اسلامی است، زیرا در مذهب عرفان بحث از وصل به الی الله است. ذکر لا اله الا الله و الحمد لله در این بنا به عنوان ذکر برتر صوفیان و عرفان اسلامی شناخته شده است.



رنگ‌های آبی لاجوردی، فیروزه‌ای، سفید، سیاه و قهوه‌ای مایل به خاکستری بیشترین رنگ‌های مورد استفاده در این مسجد است رنگ آبی لاجوردی و فیروزه‌ای به معنای یگانگی و کمال مطلوب عبودیت است و نشانه‌ای از وحدت وجود و عروج از عالم خاکی به عالم افلاکی است. (شهبازی شیران، حسینی نیا، کاظم پور، ۹۴-۹۵: ۱۳۹۶)





مسجد نصیرالملک معروف به مسجد صورتی یکی از زیباترین مساجد ایران:

مسجد نصیرالملک به دستور میرزا حسن علی خان یا همان نصیرالملک، از خاندان سلطنتی قاجار در سال ۱۲۵۵ خورشیدی ساخته شد. ساخت این مسجد حدود ۱۱ سال به طول انجامید، یکی از زیباترین جاذبه های این مسجد شیشه های رنگی به کار برده شده در این مسجد است که گفته میشود به هنگام ساخت این مسجد، خبری از شیشه های رنگی معروف آن نبود و احتمالاً حاج میرزا چند سال بعد این شیشه ها را به مسجد اضافه کرده است، به علت وجود همین شیشه های رنگی بهترین زمان بازدید از مسجد، صبح تا ظهر است که زاویه تابش آفتاب در بهترین حالت خود قرار دارد. به همین خاطر تقریباً می توان گفت که هر روز ساعت ۱۰ صبح، بهترین زمان بازدید از این مسجد به حساب می آید.



علاوه بر نورپردازی طبیعی و بازی نور و رنگ در این مسجد در شبستان اصلی مسجد از ۱۲ ستون در دو ردیف ۶ تایی با حالت قرینه، در ساخت این شبستان اصلی مسجد استفاده شده است، که میتواند یادآور و نمادی از ۱۲ امام معصوم بوده باشد.

مسجد امام اصفهان از زیباترین مساجد ایران:



مسجد امام اصفهان (مسجد سلطانی، مسجد شاه یا مسجد جامع عباسی) واقع در میدان زیبای نقش جهان اصفهان به عنوان یکی از معروف ترین و زیباترین مساجد ایران شناخته می‌شود، بنای این مسجد در سال ۱۰۲۰ هجری به فرمان شاه عباس اول در بیست و چهارمین سال سلطنت وی آغاز و تزئینات و الحاقات آن در دوره جانشینان پایان یافته است. معمار این مسجد استاد علی‌اکبر اصفهانی و ناظر ساختمان محب‌علی بیک الله بود و خوش نویسانی چون علیرضا عباسی، عبدالباقی تبریزی، محمد رضا امامی، محمد صالح امامی در آن کتیبه نگاری کرده اند. با وجود زیبایی های بی نظیری که در بخش های مختلف این مسجد به چشم می‌خورد اصلی ترین بخش آن گنبدخانه است. وجود تزئین ها در گنبدخانه، چشم هر بیننده ای را مجذوب خود میکند (جعفر محمدی، حمزه نژاد، ۱۳۹۴: ۲۲) مسجد امام اصفهان همچون نگینی در جهان اسلام و حاصل تلاش هنرمندان ایرانی در شکل بخشیدن به فضایی از شکل و رنگ و فرم است. (میشل، ۱۳۸۰: ۱۵۰)



مسجد وکیل شیراز:



مسجد وکیل به دستور کریم خان زند، به عنوان مسجد جامع جدید شهر شیراز در کنار حمام و بازار وکیل بنا شد، مسجد در مدت دو سال ساخته شده و در تاریخ ۵۱۱۸۷ ه. ق. کارساخت آن به پایان رسید (شعبانی، ۱۳۸۵: ۹۶) این مسجد شامل بخش های سردر، صحن، دوابوان شمالی و جنوبی، شبستان جنوبی و شرقی، رواق های شرقی و غربی، و حیاط کوچک کناری است. مهم ترین قسمت مسجد شبستان جنوبی با ۷۵ متر طول محسوب میشود. (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۱)

مسجد جامع یزد:



مسجد جامع کبیر یزد (مسجد جامع شهرستان، مسجد جامع عتیق، مسجد جمعه قدیم) مسجد جامع نو بناهای الحاقی آن که با این عناوین از آن یاد شده است (خادم زاده، ۱۳۸۴: ۸۴) بنای اولیه ی مسجد جامع کبیر یزد با طرح شبستانی در زمان عمر ولیث صفاری ساخته شده است (گلشن، ۱۳۷۸: ۸۴) به نظر میرسد که در دوران قبل از اسلام در این مکان آتشکده ای برپا بوده است. مسجد جامع یزد که در ارتباط با مذهب شیعه ساخته شده است شامل نقوش شمسه وستاره، نقش قندیل، نقش محراب مانند، نقوش گچ بری زنجیره ای و... است. نقوش شمسه که اکثر نقوش به کار رفته در مسجد را تشکیل میدهد نماد کثرت در وحدت و وحدت در کثرت است، و کثرت تجلی صفات خداوند است. ستاره نیز منبع نور و مظهر خداوند در شب ایمان است. بیشترین نقوش در بردانده ی مفاهیم نام های حضرت محمد، حضرت علی، پنج تن آل ابا، امام حسین، دوازده امام و یادآور وقایع عاشورا و کربلا و شهادت حضرت علی که در اندیشه شیعه جایگاه والایی دارند هستند. (سیدحسینی، فراشی ابرقویی، ۱۳۹۲: ۴۲)



مسجد گوهر شاد در زمان جانشین تیمور، پسرش شاهرخ میرزا شروع شد و به دستور «گوهرشادآغا» همسر شاهرخ میرزا، در کنار بارگاه امام رضا، ساخته شد. در این مسجد تقارن‌ها، پیمون‌ها، مدول‌ها، و پیمون‌ها، و به طور کلی از نقوش وابسته به معماری در نهایت استادی استفاده شده است. در مجموع باید گفت، اجر و نماسازی شگفت‌انگیز مسجد گوهرشاد اصول و اساس معماری صدساله‌ی تیموری برای ایران و جهان اسلام گردیده است. (زُمرشیدی، حسین، ۱۳۹۰: ۱۸)

مسجد جامع فهرج یزد قدیمی‌ترین مسجد ایران:



محققین متعددی به بررسی تاریخ این مسجد پرداخته و بعد از بررسی این مسجد را به عنوان اولین مسجد ساخته شده در ایران عنوان می‌کنند؛ به عنوان نمونه: براساس انتشار مقاله ای از دکتر محمد کریم پیرنیا در سال ۱۳۴۹، (پیرنیا، ۱۳۴۹: ۱۲-۱۳) این مسجد به عنوان بازمانده‌ای از قرن اول هجری (هفتم میلادی) شهرت یافته است، و آن را کهن‌ترین مسجد ساخته شده در ایران می‌داند، مهرداد شکوهی قرن دوم (Shokoohy, 1978, 74)، زیپولی و الفریبی قرن چهارم (Zipoli et al., 1977, 76)، باربارافینسترر اواخر قرن سوم و اوایل قرن سوم هجری قمری (Finster, 1994, 189) را به عنوان تاریخ ساخت این بنا میدانند. این مسجد در روستایی به همین نام در جنوب شرقی شهر یزد در مسیر بافق قرار دارد. مسجد

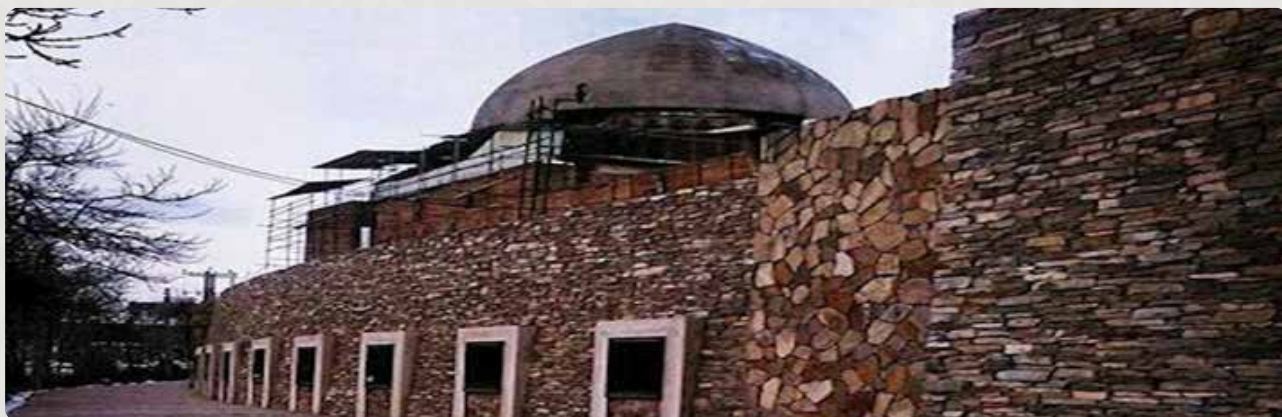
از یک شبستان و رواقی به دوریک حیاط تشکیل شده است. (انیسی، علیرضا، ۱۳۸۹: ۱۴)

مسجد نو شیراز بزرگ‌ترین مسجد ایران:



مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه یا آدینه) کهن‌ترین مسجد شیراز است. بنای اولیه‌ی این مسجد در سال ۲۸۱ هجری قمری و در زمان عمر ولیث صفاری ساخته شده است. بعدها شاه اسحق اینجو در سال ۷۵۲ هجری قمری ساختمانی در میان مسجد بنا کرد که آن را خدایخانه یا دارالمصحف می‌نامند و مکان نگهداری قرآن مجید و مکان تلاوت آن بوده است. کتیبه سنگی آن از نمونه‌های ارزنده هنر خطاطی به‌شمار می‌رود. این کتیبه به خط یحیی الجمالی الصوفی خطاط نامدار زمان شاه اسحق نوشته شده و حاوی جملاتی در شان قرآن مجید است. از دیگر مشاهداتی که قدمت این مسجد را تایید می‌کند، توصیف این بنا در سفرنامه‌های کهن است. مقدسی، جهانگرد اوایل قرن چهارم هجری قمری، مسجد عتیق را در هفت اقلیم بی‌نظیر می‌داند و ابن بطوطه، سیاح معروف قرن هشتم هجری قمری، در سفرنامه‌ی خود، مسجد عتیق را یکی از وسیع‌ترین و زیباترین مساجد جهان معرفی می‌کند. این مسجد در ۱۵ دی ماه ۱۳۱۰ و به شماره‌ی ۷۲ در میان آثار ملی ایران ثبت شده است. در بررسی‌های باستان‌شناسی صورت گرفته از این مسجد، نسخه‌های خطی قدیمی یافت شده که مهم‌ترین آن‌ها یک کتاب قرآن قدیمی است. کتابی که روی تمام صفحات آن نام مسجد جامع عتیق شیراز حک شده و نشان دهنده‌ی قدمت و اهمیت آن است. مردم شیراز قدیم بر این باورند که در زیر این خانه عصای موسی قرار گرفته است.

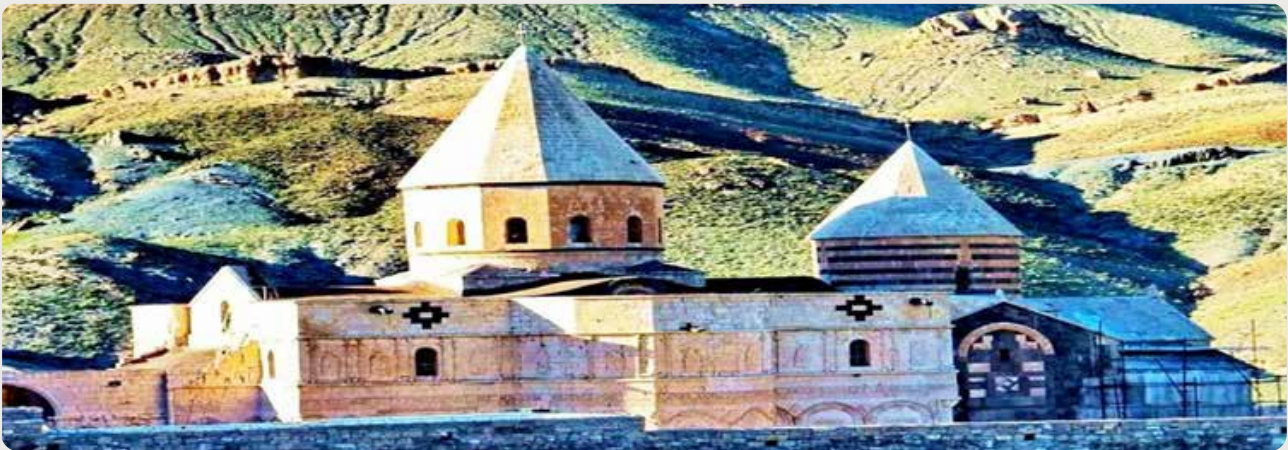
جمعه مسجد، اردبیل:



مکان این مسجد درست بر بالای تپه گورستانی، جایی که اشکانیان قرن‌ها پیش آتشکده‌ای بر پا کردند و عبادتگاهی شد برای زرتشتیان، سلجوقیان آمدند و کنار زرتشتیان، عبادتگاه خود را برپا کردند و عبادتگاهی شد برای مسلمانان. جمعه مسجد اردبیل، حال و هوای عجیبی دارد. بنایی که هم آتش و دعای زرتشتیان را دیده است و هم محراب و معبد و حمد و ثنا مسلمانان. جمعه مسجد اردبیل از قدیمی‌ترین مساجد شمال غرب ایران است که به گفته بیوک جامعی کنار آتشکده‌ای قرار گرفته بوده و حتی مسجد روی بخشی از بنای آتشکده، ساخته شده است. جمعه مسجد اردبیل، بنای عظیمی با طاق و ایوان و حیاط بود که در حمله مغولان به ایران در سال ۶۲۰ هجری ویران شد و تنها بخشی از مسجد سالم ماند و جمعه مسجد کنونی بازمانده آن دوران است. این مسجد، آخرین بار در دوره ایلخانیان بازسازی شد.

کلیساهای ایران:

قره کلیسا یا تادئوس مقدس:



مشهورترین کلیسای ایران است. در سال ۲۰۰۸ میلادی در فهرست آثار جهانی یونسکو نیز به ثبت رسیده است. این کلیسا در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی چالدران در استان آذربایجان غربی واقع شده، ویژگی‌های کلیسا معماری زیبا و حجم پردازی و از بهترین نمونه‌های اجرای هنرهای تجسمی است. دیوارهای دفاعی و برج‌های دیده‌بانی که در اطراف این کلیسا قرار دارند، از قره کلیسا یک قلعه نیز ساخته‌اند. بنای اولیه این کلیسای قدیمی به اوایل سده چهارم برمی‌گردد و بر روی آرامگاه «تادئوس مقدس» که از مبشران دین مسیحیت بوده، ساخته شده است. به قره کلیسا لقب اولین کلیسای جامع جهان مسیحیت نیز داده شده است. در ایام کریسمس این کلیسا میزبان بسیاری از آرامنه و مسیحیان از ایران و کشورهای مختلف است.



کلیسای حضرت مریم، همدان:

کلیسای حضرت مریم مربوط به دوره قاجار است و در همدان، خیابان اکباتان همدان، ضلع شمال شرقی تپه هگمتانه، محله آرامنه واقع شده و این اثر در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۷۷ با شماره ثبت ۲۲۳۷ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. در قسمت شرقی تپه هگمتانه همدان، در محله آرامنه، دو کلیسا وجود دارد. کلیسای قدیمی تر کلیسای گریگوری استپان و متعلق به مذهب پروتستان است و کلیسای جدید تر به نام کلیسای حضرت مریم به مذهب ارتدوکس تعلق دارد.

کلیسای سنت استپانوس، جلفای تبریز:

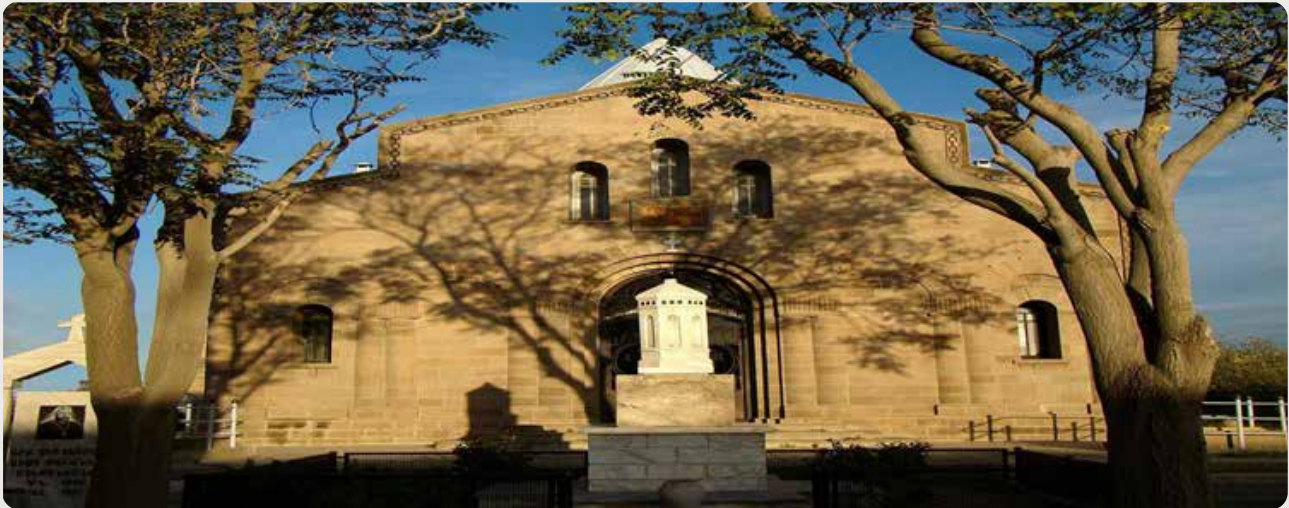


این کلیسا در نزدیکی رود ارس و در ۲۶ کیلومتری غرب جلفا در محلی به نام قریه قزل وانگ (صومعه قرمز) واقع شده است. یکی از زیباترین و مشهورترین کلیساهای ارمنیان در جهان، کلیسای استپانوس مقدس با ویژگی های معماری و تزیینی بسیار است. همه دیوارهای خارجی، بام، ساق گنبد، گنبد، ستونها و برج ناقوس کلیسا را با سنگهای سفید و صورتی تراشیده شده ساخته اند. گنبد عظیم ۱۶ ضلعی مرتفع کلیسا را روی ۴ ستون سنگی قطور که با سنگهای تراشیده ساخته شده است، استوار کرده اند. کلیه بخش های داخلی کلیسا، اطراف پنجره ها، ساق گنبد، دیوارها و ستون ها با گل و بته و پرندگان نقاشی و تزیین شده اند. سرتاسر دیوارهای خارجی کلیسا پوشیده از حجاریها، طاق نماها، نیم ستون



ها و مقرنس کاری های بسیار زیباست که مجموعه را به صورت یکی از شاهکارهای بسیار نفیس معماری ایران زمین درآورده است. کلیسای سنت استپانوس در سال ۲۰۰۸ در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.

کلیسای شوگاگات مقدس، تبریز:



کلیسای سورپ شوگاگات (شوگات) متعلق به کلیسای حواری ارمنی است. در انتهای خیابان شهناز، جنب کارخانه چرم خسروی سابق، (دانشکده معماری فعلی) واقع شده است. گورستان ارامنه تبریز در زمین بزرگی که متعلق به ارامنه تبریز می باشد در کنار این کلیسا موجود است. کلیسای شوگاگات مقدس را «سیمون منوچهریان»، مدیر کارخانه چرم سازی، در سال ۱۹۴۰ میلادی (۱۳۱۸ خورشیدی) در گورستان ارامنه تبریز بنا نمود. شوگاگات مقدس یکی از راهپه های مقدس مسیحی است و بانی کلیسا برای یادبود مادر خود، شوگاگات، این نام را برای کلیسا انتخاب کرده است. گورستان ارامنه تبریز در ابتدای خیابان امامیه واقع شده و از ۱۸۵۶ میلادی متوفیان ارمنی در این محل دفن شده‌اند. این زمین در تاریخ فوق از سوی اسقف ساهاک ساتونیان، خلیفه وقت ارامنه آذربایجان، خریداری شد و به این امر اختصاص یافت. قبل از این تاریخ، محوطه کلیسای مریم تنه مارالان گورستان ارامنه تبریز بود.

معماری بنا:

پلان این کلیسا، به تبعیت از کلیساهای ارامنه، با الگوی بازبلیک طراحی شده است. چهار ستون مربع شکل در وسط پلان واقع شده و فضای داخلی را به دو نو در دو طرف و یک نو میانی وسیع تر تقسیم کرده است. گنبد رک این بنا در وسط پلان و بر روی چهار ستون ذکر شده بنا شده. ورودی بنا مانند اگر کلیساهای ارامنه در ضلع غربی و روبه روی محراب تعبیه شده است. از فضاهای متداول در الگوی کلیساهای ارامنه اتاقهای رختکن دو طرف محراب، به علت کاربری خاص این کلیسا (مراسم نماز و ادای احترام به میت) حذف شده اند. نماهای خارجی کلیسا با نمای سنگی (سنگ های پاکتراش هم اندازه) در سه ضلع شمالی، جنوبی و غربی با جفت پایه هایی با قوس های نیم دایره و بیضی قاب بندی شده است. بر تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۸۶ پیگر اسقف اعظم ارمنی های تبریز، نشان توپوریان در این محل و در جلوی درب ورودی کلیسا دفن گردیده است.

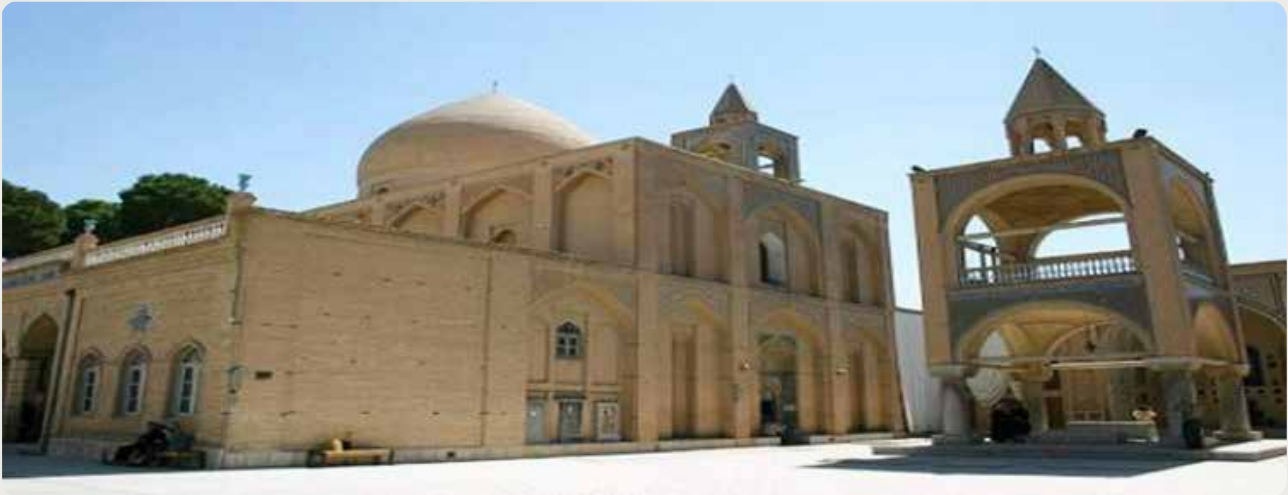
کلیسای گریگوری استپان، همدان:



کلیسای گریگوری استپان یا کلیسای گریگوری استفان در قسمت شرقی تپه هگمتانه در محله قدیم ارامنه قرار دارد. این کلیسا در سال ۱۶۷۶ میلادی توسط جمعی از ارامنه اصفهان و نیز مهاجران و تجار ارمنی روسیه که در همدان ساکن شدند، ساخته شده است. داخل کلیسای گریگوری چهار ستون مدور وجود دارد که با قوسهای جناغی به یکدیگر متصل شده اند. این کلیسا در سال ۱۳۱۱ بازسازی و مرمت شد. اطراف محراب کلیسا نیز به وسیله گچ پوشیده شده بود که در حال حاضر از آن لایه برداری شده است. نمای داخلی کلیسا آجری است. در نمای بیرونی خشت نیز به کار رفته است و دارای طاق نماهایی با قوس هلالی برای تزئین است. برج ناقوس این کلیسا به شکل مدور یا بهره گیری از سبک گنبدیهای رک بنا شده است. در قسمت شرقی تپه هگمتانه همدان، در محله ارامنه، دو کلیسا وجود دارد. کلیسای قدیمی تر همین کلیسای گریگوری استپان و متعلق به مذهب پروتستان است و کلیسای جدیدتر به نام کلیسای حضرت مریم به مذهب ارتدوکس تعلق دارد.

کلیسای وانک، اصفهان:





در محله جلفای اصفهان قرار دارد و در زمان شاه عباس دوم ساخته شده است. وانک در زبان ارمنی به معنی جامع است. کلیسا وانک به نامهای سن سور و آمنا پرکیچ نیز نامیده می شود و در سال ۱۶۰۵ میلادی در اراضی باغ زرشک احداث شد. پس از ۵۰ سال توسعه یافت و به صورت امروز درآمد.

کلیسای کانتور یا برج ناقوس، قزوین:



کلیسای کانتور که به « برج ناقوس » نیز معروف است، به گفته کارشناسان در زمان جنگ جهانی دوم ساخته شده و متعلق به ارتودوکس ها است. نکات جالبی در طراحی بنای این کلیسا وجود دارد. به عنوان نمونه، شکل کلی بنای آن به صورت صلیب ساخته شده و این موضوع با کمی دقت در هنگام ورود قابل تشخیص است. همچنین محراب این کلیسا را به سمت شرق ساخته اند که دلیل آن را اهمیت زیاد طلوع خورشید برای مسیحیان عنوان می کنند. دو سنگ قبر در داخل محوطه کلیسا وجود دارد که کارشناسان بناهای تاریخی آنها را متعلق به یک مهندس و یک خلبان روسی می دانند. همچنین در داخل کلیسا دو اتاق وجود دارد که یکی از آنها مخصوص غسل تعمید و دیگری اتاق کشیش بوده است، این کلیسا را هم می توان جزو کلیساهای کوچک ایران طبقه بندی کرد.

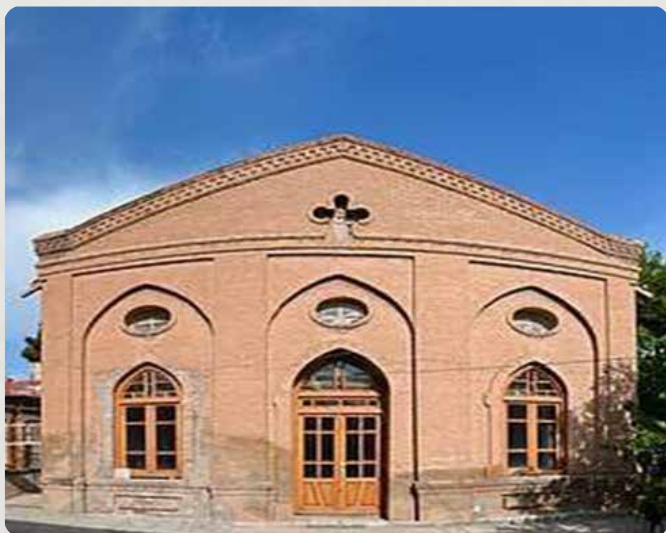
کلیسای مریم مقدس یا ننه مریم، ارومیه:



کلیسای مریم مقدس در ارومیه واقع شده است و برخی از تاریخ شناسان این کلیسا را دومین کلیسای بزرگ جهان پس از کلیسای بیت لحم فلسطین می دانند. معماری این کلیسا با بقه کلیساها فرق دارد. در آن اثری از نیمکت و جایگاه اعتراف دیده نمی شود و هر آنچه هست، دالانهایی تودرتویی است که با سنگ و ملات درست شده اند. محراب کلیسا اتاقکی گنبدی شکل و تو در تو است که فقط کشیش ها حق ورود به آن را دارند، روی پله و طاقچه کوچک جلوی محراب تصویر مسیح در حالتهای مختلف و به شیوههای متفاوت به چشم می خورد. کلیسای ننه مریم صحن نسبتا بزرگی دارد که از سال ۱۳۴۲ شمسی برجی جدید نیز به عنوان سالن برگزاری مراسم رسمی به آن اضافه شده است، این کلیسا بیشتر به عنوان محلی برای دعا و نیایش و یک بنای تاریخی حفظ شده است کلیسای ننه مریم، کلیسای شرق آشور هم نامیده می شود و از قدیمی ترین کلیساهای ایران و جهان به شمار می آید.

کلیسای قلب مقدس مسیح، کرمانشاه:

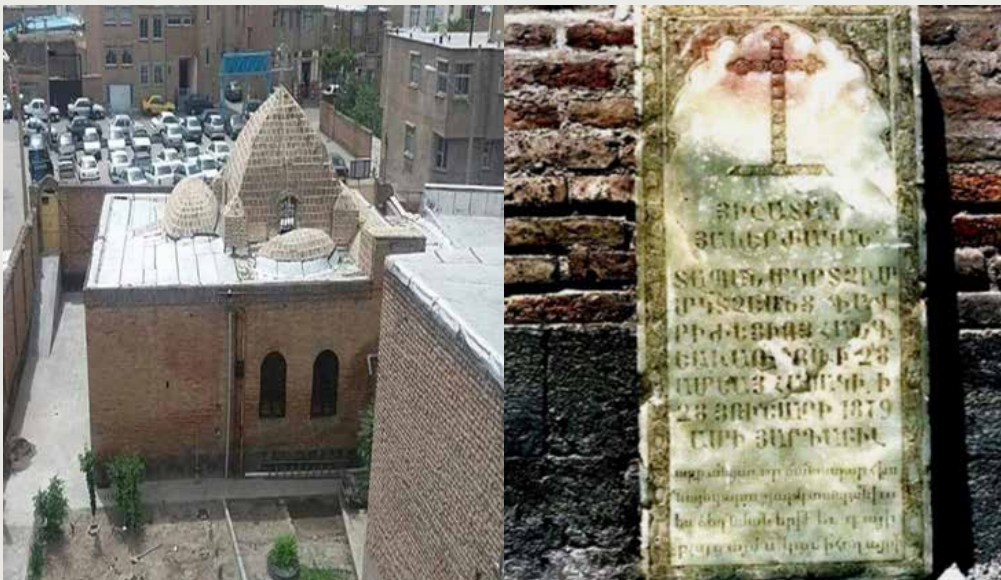
این کلیسا در سال ۱۹۱۴ میلادی به دستور «اسقف یوحنا نیان» در زمینی به مساحت ۲۸۰ متر مربع بنا و توسط ایشان



تقدس شد. زیر بنای این کلیسا با احتساب فضای سرایداری، اتاق ها و سایر تاسیسات یک صد و شصت متر مربع است. مصالح به کار رفته در بنا، آجر و دارای مختصر تزیینات و آجرکاری است. نمای خارجی ضلع غربی کلیسا دارای سه طاق نما است. در طاق نمای میانی، ورودی کلیسا قرار دارد و در طاق نماهای طرفین دو پنجره دیده می شود. این در و پنجره ها با قالب های آجری که در بالا به قوسی زیبا ختم می شوند، تزیین شده اند. تزیین نمای خارجی اضلاع شمالی و جنوبی کلیسا نیز طاق نما و پنجره

قوس داراست. با این تفاوت که در ضلع جنوبی پنجره ها مسدود شده و از آن ها به عنوان طاقچه استفاده می کنند. نمای اصلی کلیسا با سنتوری که در وسط یک نورگیر به شکل صلیب تعبیه شده تزیین شده است بام بنا شیروانی و سقف آن از داخل با چوب کار شده است.

کلیسای مریم مقدس، اردبیل:



کلیسای اردبیل در سال ۱۸۷۶ میلادی (برابر با ۱۲۵۵ خورشیدی) بنا شده است. تا سال ۱۹۴۴ میلادی این کلیسا فعال بوده و آخرین مراسم مذهبی و نماز جماعت در سال - ۱۹۴۴ میلادی برابر با ۱۳۲۳ خورشیدی توسط کشیش وارطان ژامگورسیان در آن انجام می شده است. از آن تاریخ به بعد به دلیل مهاجرت خانواده‌های ارمنی به تبریز و تهران انجام مراسم مذهبی در کلیسا تعطیل شده است. اکنون یک قرن از عمر بنای کلیسای مریم مقدس اردبیل می‌گذرد، متعلقات کلیسا از جمله حمام و مدرسه بطور کامل از بین رفته و تنها بنای کلیسای رو به تخریب به حیات غیرفعال خود ادامه می دهد. در حال حاضر حتی یک خانواده ارمنی در اردبیل مقیم نیست. از سال ۱۳۷۰ کلیسای مذکور از طرف شورای خلیفه گری ارامنه آذربایجان در اختیار مدیریت میراث فرهنگی اردبیل قرار گرفت تا با کمک‌های مالی ارامنه این بنای تاریخی مرمت شود و با تغییر کاربری از فضای آن جهت استفاده‌های فرهنگی و هنری استفاده شود. این بنا را بعد از بازسازی متأسفانه تغییر کاربری داده و در حال حاضر به عنوان زورخانه استفاده می‌شود.

سرخ آباد، کوچکترین کلیسای جهان در ایران مازندران:

در روستایی به همین نام در حوالی شهرستان سوادکوه در استان مازندران واقع شده است. مهندسين ایتالیایی که در زمان پهلوی برای ساخت راه آهن به این منطقه آمده بودند، این روستا را برای انجام مراسم های مذهبی خود ساخته اند. سند این موضوع نیز نوشته ای است که به زبان ایتالیایی بر سر در این کلیسا حک شده است. کلیسای سرخ آباد طول و عرض سه متر در سه متر دارد و به احتمال زیاد کوچکترین کلیسای جهان است. این کلیسا از گچ و آجر ساخته شده است و کف و دیوارهایش با سیمان پوشیده شده است. کلیسای سرخ آباد در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و تحت مرمت نیز قرار گرفت. ولی متأسفانه امرون تابلوی راهنمای کلیسا برداشته شده و کلید در ورودی آن نیز گویا در دسترس نیست.



کلیسای حضرت مریم، تهران:



کلیسای حضرت مریم مربوط به دوره پهلوی است و در تهران، خیابان میرزا کوچک خان واقع شده است. این اثر در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۸۱ با شماره ثبت ۷۲۳۷ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. کلیسای حضرت مریم در سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۵) با هزینه شخصی خیر بنام رومان عیسی یان بنا گردیده و معمار آن نیکلای مارکف بوده است. این بنا بین سال های ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۹ دفتر اصلی و محل سکونت اسقف اعظم ارامنه بوده است که بعدها به کلیسای سرکیس مقدس انتقال یافت.

کلیسای هوانس مقدس، مراغه:

بن کلیسا یکی از کلیساهای ارامنه کاتولیک است و نام آن از اسم یکی از حواریون حضرت عیسی (ع) به نام یوحنا که ارامنه به آن هوانس می‌گویند، گرفته شده است. این کلیسا روی تپه‌ای و در ۴۰ کیلومتری شمال غربی تبریز قرار دارد. هر چند قدمت بنای این کلیسا را به قرون پنج و شش میلادی نسبت داده‌اند ولی بنای اصلی پارها پر اثر ویرانی تجدید بنا شده است. قدمت بنای فعلی که توسط معماران روسی و فرانسوی ساخته شده است، به سال ۱۸۴۰ میلادی می‌رسند. کلیسای هوانس در اثر زلزله‌ی ۱۹۳۶ میلادی آسیب جدی دید و بعد از آن درها و پنجره‌های بنا را به تاراج بردند.



منابع:

- ۱- شهبازی شیران، حبیب، حسینی نیا، سیدمهدی، کاظم پور، مهدی، «تحلیل تأثیر اعتقادات عرفان و تصوف بر مضامین و تزیینات کتیبه‌های مسجد کبود تبریز»، مجله فیروزه اسلام، شماره ۴، ۱۳۹۶.
- ۲- جعفر محمدی، سمانه، حمزه نژاد، مهدی، «ترکیب متعادل هیجان و آرامش در مسجد امام اصفهان»، مجله شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۹۴. میشل، جرج، معماری جهان اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران؛ انتشارات مولوی، ۱۳۸۰.
- ۳- شعبانی، رضا، کریم خان زند، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵. محمد، مریم، «مسجد وکیل شیراز»، دایره المعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی جلد ۳، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۴- خادم زده، محمد حسین، مساجد تاریخی شهر یزد، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۷۴.
- گلشن، صدیقه، «بررسی تاریخی مسجد یزد»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج ۱، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸.
- سید حسینی، هاشم، فراشی ابرقویی، حسین، «تحلیل جنبه‌های نمادین شیعی در تزیینات مسجد جامع یزد»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، شماره ۲۹، ۱۳۹۳.
- ۵- زمرشیدی، حسین، «مسجد بنی نظیر جامع گوهرشاد و هنرهای قدسی معماری»، مجله‌ی شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۹۰.
- ۶- انیسی، علیرضا، «مسجد جامع فهرج؛ ارزیابی مجدد»، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره هفتم، ۱۳۸۹.
- ۷- تاریخ آرامنه ایران در قرن هفدهم میلادی. نویسنده، وازگون سارکیس قوکاسیان. مترجم، سعید کرم پور. چاپ اول سال چاپ ۱۳۹۴-انتشارات، امیرکبیر
- ۸- نگاهی به تاریخ کلیسای شرق. نویسنده، توماس میرم. سال چاپ ۱۳۸۱. چاپ اول. نشر، مانا طائب
- ۹- کلیساهای آرامنه ایران. نویسنده، لینا ملکیان. چاپ، ۱۳۸۱. چاپ دوم. انتشارات، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ۱۰- مسیحیت در ایران تا صدر اسلام. نویسنده، سعید نفیسی، عبدالکریم جریزه دار. سال ۱۳۹۲. چاپ دوم انتشارات، اساطیر
- 11- Shokoohy, M. (1978), "Studies in the Early Medieval Architecture of Iran and Afghanistan", unpublished dissertation, Herriot Watt University.
- 12- Finster, B. (1994), "Frühe iranische Moscheen," Berlin.
- 13- Zipoli, R. and B.M. Alfieri (1977), "La Moschea Ġāmī' di Fahrağ", Studi Iranici, Rome, pp 41-76

محيى الدين ابن عربى:

خداوند در تمامی حالات همراه ماست، اما ما فقط با انجام حدود او، او را همراهی می‌کنیم. در حقیقت ما با احکام او مصاحبت داریم نه خود او. چون او با ماست، ولی ما با او نیستیم. چون او ما را می‌شناسد ولی ما او را نمی‌شناسیم.

(فتوحات المکيه، جلد ۲، صفحه ۲۸۷)

آتشکده‌های ایران:

آتشکده آتشگاه، سرعین:

روستای باستانی آتشگاه که یک روستای بیلاقی می‌باشد و از توابع دهستان سبلان در مسافت ۵ کیلومتری شمال سرعین واقع شده است. این روستا از باستانی‌ترین مکان‌های شهر سرعین و استان اردبیل است. در این مکان یادگاری‌های زیادی مانده است، ولی به مرور زمان بر اثر عوامل طبیعی به تدریج از بین رفته است.



آتشکده آذرگشسب:

آتشکده آذرگشسب از مشهورترین و بزرگ‌ترین آتشکده‌های فلات ایران است که در آذربایجان غربی در ۴۹ کیلومتری شمال شرق شهر تکاب قرار دارد. آذرگشسب به معنی آتش اسب نر است. آتشکده آذرگشسب در ضلع شمالی دریاچه قرار گرفته و دارای نمایی چهارطاقی است که درون آن محراب آتش قرار گرفته و راهروهای مخصوص مراسم عبادی اطرافش را فراگرفته‌اند. در سمت راست چهارطاقی دومین اتاق مهم این آتشکده قرار گرفته که در آن آتش را وقتی برای نیایش در معرض دید نبود، شعله‌ور حفظ می‌کردند.



آتشکده گیلانکشه:

این بنا در بخش جنوبی روستای گیلانکشه و بر روی بلندی‌های مشرف بر رودخانه گیلانکشه واقع است. و در استان زنجان است. نقشه بنا شامل یک فضای راستگوش گنبددار بوده که از سمت جنوب دارای یک ایوان کوچک طاقدار است.

ورودی بنا از سمت جنوب و از طریق درگاهی کوچک است که در دیوار انتهایی ایوان تعبیه شد. در سمت شرق بنا و چسبیده به آن، در کنار ایوان ورودی بقایای پلکانی موجود است که احتمالاً در گذشته از طریق آن به قسمت فوقانی ارتباط می‌یافت.



کاخ و آتشکده اردشیر، بابکان:

این کاخ از جاذبه‌های تاریخی و گردشگری فیروزآباد است. اینجا دارای تالارهای تو در تو است و با گذشت ۱۸۰۰ سال گچ بری قسمت بالای دیوارهای داخلی آن همچنان سالم مانده. در ضلع شرقی کاخ، چهار ساختمان گنبدی شکل عظیم وجود دارد که این گنبدها به وسیله فیل پوش بالا رفته که مشابه آن در قلعه دختر (قلعه اردشیر) دیده می‌شود. قسمتی از نوک سقف گنبدها در دایره‌ای به قطر یک متر باز است. در ضلع شمالی خارج از دیوار کاخ نیز چشمه‌ای زلال از دل خاک می‌جوشد و استخری طبیعی جلوی این چشمه به وجود آمده. کمی بالاتر از کاخ آتشدانی برای مراسم مذهبی وجود دارد. وجود چهار عنصر طبیعی آب، باد، خاک و آتش امتیاز ویژه‌ای به این منطقه داده. به علت قرار گرفتن این کاخ در کنار چشمه «قمپ آتشکده» آن را آتشکده فیروزآباد نیز می‌نامند.



کوه قلعه دختر:

در شمال تهران سمت لواسان کوه قلعه دختر به ارتفاع ۳۲۲۷ متر از سطح دریا، در روستای آهار قرار دارد و بر فراز این کوه خرابه‌ای از دوران ساسانیان قرار گرفته که به قلعه دختر و یا قصر دختر معروف است و اهالی آنجا به این بنا قصران می‌گویند. از این بنای باستانی که در روزگاران کهن به عنوان آتشکده مورد استفاده قرار می‌گرفت، بجز چند دیوار پهن و طاق گهواره‌ای شکل، چیزی به جای نمانده است. بنای اصلی دو طبقه بوده است که به مرور زمان فرو ریخته و

بنای فعلی صد متر مساحت دارد.



آتشکده یزد:

آتشکده یزد محل نگهداری آتش مقدسی که ۱۵۰۰ سال است خاموش نشده! آتشکده‌ای در شهر یزد که نیایشگاه زرتشتیان ساکن در شهر می‌باشد البته ورود به آن با آدابى همراه است که می‌توان ابتدا به پاکیزگی زنان و مردان اشاره کرد. این آتشکده از دیدنی‌ترین مکان‌های شهر یزد شناخته می‌شود که علاوه بر آرامش که برای افراد فراهم می‌کند از پیشینه تاریخی نیز برخوردار است. آتش این بنای ارزشمند نماد پاکی است به همین دلیل این مکان با نام آتشکده ورهرام نیز شناخته می‌شود. آتشکده از اوایل دهه ۴۰ برای بازدید عموم باز بوده است و در سال ۱۳۷۸ در لیست فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته است. این آتش مقدس ۱۵۰۰ ساله، سالانه گردشگران زیادی را به سمت خود و استان یزد جذب می‌نماید. برای ورود به این آتشکده مردان باید از کلاه سفید و زنان با روسری سفید و لباس رنگ روشن و بدون کفش وارد شوند. بازدیدکنندگان این آتشکده می‌توانند این آتش را از پشت دیوار شیشه‌ای ببینند.



آتشکده آذر برزین مهر:

این آتشکده یکی از ۳ آتشکده اساطیری آیین زرتشت است که از روی نامش می‌توانیم به قدمت آن پی‌ببریم که به دوران قبل از زرتشت یعنی عصر مهر پرستی (میتراپیسم) برمی‌گردد. این آتشکده در ارتفاع ۲۰۶۱ متری از سطح دریا و در کوهستان فشتنق بین شاهرود، سبزوار و در حوالی روستای فشتنق قرار دارد و جزو آثار ملی ایران است.



اماکن تاریخی:

بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی:

این بقعه یکی از آثار تاریخی مهم شهر اردبیل که به لحاظ معماری و کاشی کاری از شاهکارهای سده هشتم هجری آن اضافه کرد. اهمیت این بنا بواسطه رابطه‌اش با سلسله خاندان صفوی جلوه‌گر می‌شود. پس از شروع حکومت صفویه، به دلیل ارادت شاهان صفوی به جد خود بخش‌های مختلفی به این مجموعه اضافه شد. این بقعه از بناهای دوران مختلفی تشکیل شده است که شاه تهماسب برای اولین بار آنها را به صورت یک مجموعه واحد درآورد. و بعدها شاهان عباسی بناهای مهم دیگری را نیز به آن اضافه نمودند و اصلاحاتی را در آن ایجاد کردند. در دوره شاه عباس اول به دلیل آنکه وی ارادت بسیاری به شیخ صفی‌الدین داشت و به کرات به زیارت مقبره شیخ می‌رفت برای تکمیل و تزئین این بنا کارهای بسیاری انجام داد.



بقعه شیخ حیدر، مشکین شهر:

شیخ حیدر از نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود، در ۹۲ کیلومتری غرب مرکز استان اردبیل و در مرکز شهر مشکین شهر قرار دارد. این بنای تاریخی منصوب به شیخ حیدر، پدر شاه اسماعیل اولین پادشاه دوره حکومت صفویه است. مقبره شیخ حیدر در باغ سبز و با صفایی که قبرستان قدیمی مشکین شهر بود واقع شده است. بقعه شیخ حیدر از خارج

مزین به کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ است و با آیه‌هایی از قرآن کریم و اشکال هندسی تزئین شده است. در بدنه بیرونی بقعه دو نوع کاشی کاری به کار رفته است یکی به صورت معرق کاری که در سردرهای بنا وجود دارد و نوع دیگر کاشی کاری تلفیقی است که تلفیقی از آجر و کاشی به رنگ فیروزه‌ای است.



مقبره شیخ شهاب الدین اهری:

مقبره شیخ شهاب الدین اهری خانقاه و مدفن شیخ شهاب‌الدین، عارف قرن هفتم هجری قمری است و موزه عرفان و ادب در تالار اصلی آن دایر شده است. مقبره و موزه ادب و عرفان در داخل بوستانی با همین نام قرار دارند. با قدمتی که به دوره صفویه بازمی‌گردد، این بقعه احتمالاً در زمان حکومت شاه عباس اول روی مزار شیخ شهاب الدین اهری ساخته شده است. البته آثاری از دوره‌های قبل، مانند دوره ایلخانی را نیز می‌توان در آن مشاهده کرد. این بقعه در شهر اهر هست و بخش‌های مختلف این مجموعه شامل خانقاه، چینی‌خانه‌ها، صحن، ایوانی بلند، مناره‌ها و غرفه‌های متعدد می‌شود. این اثر در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۱۱، با شماره ثبت ۱۷۹ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید. موزه ادب و عرفان در این محل، به‌عنوان یکی از موزه‌های تخصصی ایران، میزبان آثار ادبی و عرفانی جالبی از دوره‌های تاریخی صفوی تا قاجار است.



بقعه شیخ زاهد گیلانی:

بقعه شیخ زاهد گیلانی مربوط به اواخر سده ۹ هجری قمری است و در شهرستان لاهیجان، روستای شیخانور واقع شده و این اثر در تاریخ ۵ دی ۱۳۴۷ با شماره ثبت ۸۲۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. بقعه شیخ زاهد گیلانی بنایی در ۳ کیلومتری لاهیجان در استان گیلان است که بنا بر برخی منابع آن را مدفن شیخ تاج‌الدین ابراهیم ملقب به شیخ زاهد گیلانی از عرفاً و دراویش بزرگ و از استادان شیخ صفی‌الدین اردبیلی دانسته‌اند. این بنا دارای یک گنبد هشت ترک فیروزه‌ای بوده و در میان مزارع برنج و چای و جنگل احاطه شده است و از مقاصد گردشگری استان گیلان است.



منابع:

- ۱- حسین یوسفی، معرفی بهترین آتشکده های ایران
- ۲- آتشکده های فعال ایران لیست همگردی

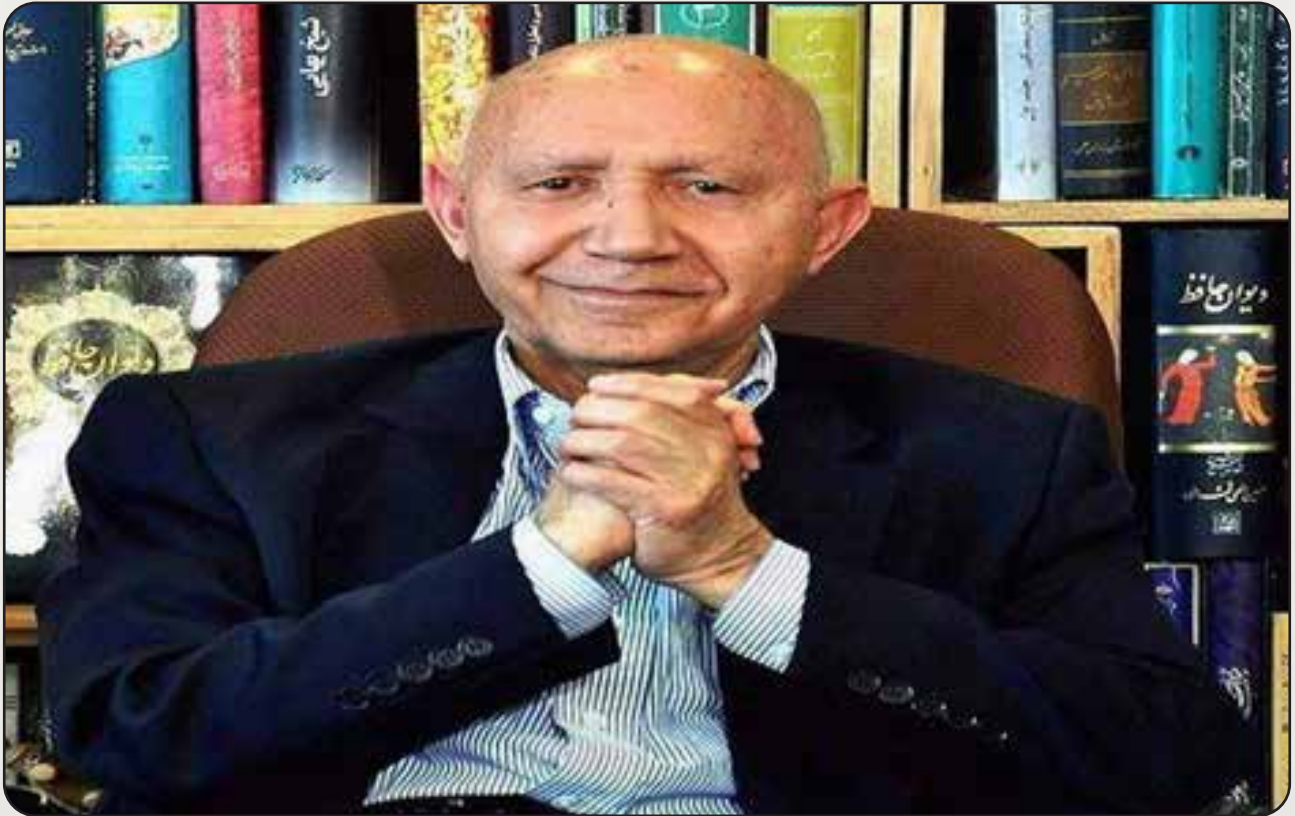
محيى الدين ابن عربى:

وقتی انسان اراده شخصی خود را نفی کند، او نفسانیت خود کنار گرفته و پروردگار را بر همه چیز ترجیح دهد، خداوند به جای صورت خود، صورت هدایت الهی که صورت حقی از جانب حق است قرار می‌دهد تا شخص با مباحثات در اوج درخشش نور قدم زند. این صورت شرع نبی او و رسالت رسول اوست. و چیزی که سعادت او وابسته به آن است، از جانب پروردگار به او ابلاغ می‌شود.

(فتوحات المکیه، جلد ۳، صفحه ۷۰)

غزلی از مولانا

یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا
یار تویر غار تویر خواجہ نگمدار مرا
نوح تویر روح تویر فاتح و مفتوح تویر
سینہ مشروح تویر بردر اسرار مرا
نور تویر سور تویر دولت منصور تویر
مخ کہ طور تویر خستہ بہ مستار مرا
قطرہ تویر بحر تویر لطف تویر قمر تویر
قد تویر زہر تویر بیش میازار مرا
حجرہ خورشید تویر خانہ ناہید تویر
روضہ امید تویر راہ وہ ای یار مرا
روز تویر روزہ تویر حاصل دریوزہ تویر
آب تویر کوزہ تویر آب وہ اینسہار مرا
دانہ تویر دام تویر مادہ تویر جام تویر
پختہ تویر خام تویر خام بگداز مرا
ایستہ شکر کہ کم سدی راہ دلم کم زندگی
راہ شدی تانبندی اینسہمہ گفتار مرا



سخنرانی استاد الهی قمشه‌ای در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۱۶

موضوع سخنرانی (عشق و زیبایی الهی) دکتر الهی قمشه‌ای: زیبایی را در هنر هم ما می‌توانیم دنبال کنیم حالا در نقاشی به یک کیفیت، در موسیقی موسیقی و خوشنویسی و من از یک جنس حساب می‌کنم منتها یکی کمیات به قول علما یکیش غیر ذات خط قار و ذاته یعنی اجزاء و کمیت‌هایی است که قرار دارد در موسیقی اینها غیر قار و ذاته یعنی اینها یک جزئش برود که جزء دیگری بیاد. انقدر ملودی‌های زیبا در موسیقی کردی است منتها بعضی‌ها فکر می‌کند این ملودی‌ها را باید تکرار بکنند مثلاً متاسفانه تو موسیقی‌های محلی تکرار زیاد است. این ملودی‌ها را برای این آفریدند شما بتوانید این‌ها را ترکیب بکنید و حرف‌های تازه بزنید کلمات برای این نیافریدند شما عیناً تکرار کنید، تو مدرسه جملاتی یاد بگیرید تا آخر عمرتان همان جملات را می‌گویید یا اینکه آن جملات و کلمات را یاد می‌گیرید که بعد حرف‌های خودتان را بزنید. این گوشه‌ها و این الحان و این به اصطلاح اروپایی‌ها ملودی‌ها که یک مجموعه نُت که رد پای یک احساسی است و اینها معمولاً الهامات الهی است حتی به مردم عادی خداوند الهام میکند، حالا می‌ترسیم بگیم وحی ولی خداوند می‌فرماید به زبور عسل وحی می‌کنیم وحی عام است. مولانا می‌گوید: اندر بهار وحی خدا دست عام گفت بنوشته باغ و مرغ به تکرار میرود بیشتر این موسیقی‌ها الهام است یعنی مستقیماً از پیش خداوند می‌آید به انسان الهام می‌کند این الحان را با هم ترکیب بکنید و ناگهان دارد گچ بره دارد گچ کاری می‌کند یک زمزمه می‌کند این زمزمه یادآوری افسانه است یاد افسانه کردی و عاقبت من اینجا کجا هستیم دارم گچ کاری میکنم کجا بودیم اینجا چه عالمیه اینها یادش می‌آید و این ملودی‌ها ساخته می‌شود. ملودی‌ها یادآور خاطرات ازلی ما است. افرادی که روشن شفافیت پیدا می‌کند ممکنه

سبزی فروش و آدم معمولی باشد اینها این الحان را خلق می‌کنند. بعد آهنگ سازان بزرگی می‌آیند این الحان را تکه تکه بعد همین کار را بکنند بیان ملودی‌ها را استخراج بکنند و صبر بکنند و بیان واحدهای هنری واحدهای الهامی اینها. اینها را با هم بعد می‌توانیم باهاش حرف بزنیم می‌توانیم قصه غزل بگویم قصیده درست بکنیم داستان درست بکنیم این ملودی‌ها را که در واقع رد پای خاطرت ما از عالم زیبایی است اینها را من میبینیم در موسیقی کردی از یک صفای خاصی برخورداره و اینها شفاف و پخته بشود و بعد ترکیب بشود با همدیگر در ترکیب الحان وهارمونیاها یک وقتی گفتیم هارمونی‌ها یعنی اینها با هم ترکیب و تناسب پیدا بکنند اصل همه چیزهاست. اگر شما اخلاق می‌خواین هارمونی‌ها را عمل بکنید بهش. اگر موسیقی می‌خواید هارمونی‌ها را ترکیب بکنید اگر علم می‌خواهید هارمونی‌ها را بشناسید هارمونی و تناسبات اگر بشناسید می‌شود علم برید بشناسید علم‌ها رو که این عالم با آن چه رابطه‌ای دارد اون به این چه رابطی دارد این نصف اونه اون بلندتر از اینه این سیم را که تکان میدهند فرکانسی پیدا میکند بعد می‌روند می‌شمرند می‌بینند ۲۱۶ تا است بعد سیم را نصف میکنی دوباره سیم میزنی عه شد ۴۳۲ تا دو برابر شد، نصف میکنی فرکانسش دو برابر می‌شود، بعد متوجه می‌شوی که عجب پس وقتی سیم را نصف می‌کنند چون دو برابر همان فرکانس داره در واقع همان احساس را در من ایجاد می‌کند. به همین جهت یک کسی که صدایش یک پرده پایین‌تره، با اونکه بالاتره می‌خواند یا زن و مرد می‌خوانند می‌بینیم اینها با هم همخوانی دارد دو تا سیم را یکیش را بم‌تر و یکیش رو سیم تر همان آهنگ را یک دور هم رو سیم میزنی میبینی که همان آهنگه عینا همان نت‌ها را به شما می‌دهد و همان صداها ولی یک پرده بالاتر یک پرده پایین‌تر؛ وقتی اینها را می‌فهمه آدم وقتی می‌فهمی قلب چه جوری کار می‌کند ریتمش اینه دکتتر نگاه می‌کند شما قلبتان یک اشکالاتی دارد برای اینکه میدانه چه جوری باید بزند. ترکیباتش را می‌شناسد. بنابراین اگر تلاش بکنیم برای شناختن تناسبات و روابط حرکات بین عالم و قوانین علی و معلولی در عالم این شناخت این تناسبات می‌شود علم، اجرای این تناسبات می‌شود هنر و در عمل آوردن و در زندگی آوردن آن تناسبات می‌شود اخلاق که من بفهمم که در روابط انسانی با شما چه چیزی مناسب است چه چیزی مناسب نیست، چه چیزی هماهنگ هست چه چیزی هماهنگ نیست، ریتمش را حفظ بکنم، تناسبش را حفظ بکنم. بنابراین موسیقی و خوشنویسی و رقص در واقع باز یکی از مذکران انما انت مذکر؛ می‌توان به موسیقی گفت تو مذکری به نقاشی گفت تو مذکری به خوشنویسی گفت تو مذکری، به شرطی که خوشنویس از آن صفا و شان برخوردار باشد، اگر شروع بکند خودنمایی کردن این بگو من چیزی درست میکنم هوش از سرت ببرد خودنمایی بکند خطش خراب میشود، خطش خراب می‌شود؛ یعنی گم می‌شود اون حقیقت را نمی‌بینم. دیگه یک مقداری چشم‌ها را مشغول خودش می‌کند در صورتیکه خط شما را باید فارغ کند حتی از اون خط. خط را وقتی می‌بیند باید برود تو الحان دیگه، نباید به اون فکر کند خط را شما می‌بینی یک چیزهایی یادتان می‌آید یک احساساتی درونتون ایجاد می‌شود عجب من کجا هستم، این چه عالمیه چرا من اینجوری کردم ناگهان یادتان می‌آید، امروز با یک نفر دعوا کردین خوب نبوده همین خط را میبینیدها یادتان می‌آید عجب امروز داد زدیم عربده کشیدیم، هیچ خوب نبود این کار و تناسبی نداشت این خط ببین چقدر خوب اینجا آمده پایین رفته بالا، هیچ دعوا ندارند، اینها با هم دیگه از این آدم یاد چیزهای دیگه می‌افتد که آنها هدایتش میکند. بنابراین خطاط موقعی به آن مقام میرسد که ما آن را در مقاله شان صفا در مقالات هم چاپ شده توضیح دادیم که اگر همه اصول خط را داشته باشد ولی شروع کند خودنما موسیقی‌دان هم همین طور آوازه خوان هم اگر شروع کند آواز خواندش را به رخ من بکشد نفسش را به رخ من کشیده نفس هم زشت است. زشت روی توست نی رخسار مرگ. وقتی انسان از این نفس خودش خلاص میشود دیگه هیچ زشتی در عالم نیست همه چی زیبایی می‌شود مرگ چیه مرگ خیلی هم زیبا است مرگ به قول یک شاعر انگلیسی می‌گوید این خواب که برادر مرگ هست چقدر لذت بخشه حالا مرگ چه خبره دیگه برای اینکه وقتی خستش میشه چقدر لذت میبره

بخواه. خوب که می گویند برادر کوچک مرگه خودش بیاد چی می شود. بنابراین اونها زیبا هستند تنها زشتی از نفس ما سرچشمه می گیرد اگر من بخواهم خودم را نشان بدهم آن جا است که زشتی تولید میشود اگر چه که اصول زیبایی را هم رعایت کنم. بنابراین حالا دیگر به تناثر به هنرهای دیگر نمی پردازم فقط اشاره ای به ادبیات می کنم زیبایی بیشتر در ادبیات ظاهر می شود و من می خواستم توصیه کنم همه جوانهای عزیز جوان که می گویم همه است. حالا از نه تا نود و نه سال. برای اینکه آدمی زاد که پیر نمی شود این نفس ما است نگاه می کند به خودش وگرنه ما ازلی ابدی هستیم ما پیری و جوانی نداریم. شما یک لحظه به خودت فکر کنی سن نداری شما من سن داره من که احساسش میکنی تو می فهمی من بدن دارم که جسم داشته باشم. بیشتر اوقات انسان از بدنش غافل است، وقتی نشستی به خودت فکر می کنی می گویی که من آرزوهایی دارم اصلا یاد بدن نیستی. بنابراین سنی نداری اصلا قابل اندازه گیری نیست این مال جسمه. عالم جسمانی هم عاریت که به ما دادند بعدا هم می گیرند لباس نو تر بهمان می دهند. ناصر خسرو می گوید: نرم کرده است زرد چو زرد آلود، به مرگ خطاب می کند. قصد کردی که بخواهی همی خوردن این که شد زرد و کهن پیراهن جان است پیش تو بشکنم این کهنه پیراهن، این پیراهن کهنه مال شما. بنابراین وقتی نگاه انسان بر می گردد به از نفس به عشق و به حق همه چیزها بر می گردد به زیبایی و ادبیات ما یک چنین درسی به ما می دهد درس زیبایی حالا من فقط می خواهم یک نمونه: یک ذره زحسن لیلیت بنمایم عاقل باشم اگر تو مجنون نشوی. یک گوشه از رودکی سمرقندی که گفتش روی به محراب نهادن چه سود دل به تمنای بتان تراس... رویت را کردی این طرف ولی دلت اون طرفه این را می خوای با خدا حساب بکنی؟

دلبر ما معشوق ازلی وسوسه عاشقی از تو پذیرد، نپذیرد نماز. ظاهر نماز را باید البته بخوانی ولی اونیکه از تو قبول می کنند وسوسه عاشقی است من تو را دوست دارم این خوشش می آید خداوند، اگر نمازت این معنی را می دهد خوبه ، اگر این معنی را نمی دهد من دارم انجام تکلیف میکنم کافی نیست، خوبه البته ولی اگر نمازت چون گفتمی حالا ما با کسالت، یک قدری هم شکوه شکایت، که صبح اول صبح ما را بیدار کردی پاشو نماز بخوان، اگر به این صورت است ، اگر معنی این است چنین و چنان نماز نیست. واجبه البته. به قول اون گفتش که ایستاد به نماز بسم الرحیم کنعبد کنستعین الله اکبر گفتند که بابا این چه نمازی این نماز ما که نماز نیست انقدر هست که با خدا یاغی نیستیم، همین قدر می خوانیم الان: اون را البته باید خواند انقدر که با خدا یاغی نباشیم البته کافی نیست وسوسه عاشقی باید باشد نماز؛ یا اون فردوسی طوسی که واقعا حکیم بزرگوار و اون کسیکه که حکیم را برای اولین بار لغتش برای اولین بار فردوسی گفته من می گویم براتون. می گوید: یکی را بر آبی و شاهی دهی یکی را به دریا به ماهی دهی یکی را بر آری به تخت بلند یکی نشانی به خاک نژند. نه با آن مهر. پارتی بازی نیست مثلا این را بیشتر از تو دوست داره تو را بیشتر از آن نه با آن مهر و نه با این کین با این هم کینه نداری؛ که بهدان تویی ای جهان آفرین اون بهدانه می دونه که بهتر چیه ما چی می دانیم حالا این بهتره یا اون بهدان فقط اوست یا می گوید: چنین گفت مر جفت را نره شیر که فرزند ما نباشد گر دلیر، ببریم از او مهر پیوند پاک. پدرش آب دریا و مادرش خاک. همان که مولانا می گوید: شیر را بچه همی ماند بدو. تو پیغمبر چه می مانی بگو. من امت پیغمبر ولی هیچ شباهتی با پیغمبر نداشته باشم به آن رسول گرامی نداشته باشم؟ بنابراین گفتش که پدرش آب دریا و مادرش خاک یا گفتش که بر آن آفرین در توحید. فردوسی می گوید: بر آن آفرین کافرین آفرین مکان و زمان و زمین آفرید چرا برای اینکه آفرین بالا ترین چیز است چون هر چیز زیبایی بیافرینند یک نفر بگوید آفرین و آفرین بالاتر از چیزه. چون من همان چیز را درک میکنم و در وجود من شگفتی و احتزاز و وجد و حالی پیدا شده از آن زیبا. بنابراین این آفرین که در ما آفریده بالاترین از هر آفرینی اس که آفریده خداوند حالا تا برسیم به نظامی که اصلا مثل اینکه زیبایی را لقمه کرده تو هر بیتی که درج کردی علمی به کمال خرج کردی. من چند بیت

در رسول اگر موسیقی می خوانم چون یاد آن بزرگوار شد می گوید: تخته اول که الف نقش بست بر در محجوبه احمد نشست حالا ببینید چقدر تناسب دارد تمام تناسبات را رد کرده تخته در محجوبه رزه در است که نمی گذارد برود تو، از بیرون باز بشه از تو باز میشود، این ضمنا احمد اولش یک الف دارد بر در محجوبه احمد نشست ضمنا حضرت خیلی هم محجوب بوده محجوبه ضمنا به اون لحظه می گفتند: تخته اول که الف نقش بست، بر در محجوبه احمد نشست.

حلقه مار که از قلم داد	طوق زردال و کمر از میم داد
لایحه او یافت از میم و دال	که مرد باشد محمد شود
لایحه او یافت از آن میم و دال	دایره دولت خط کمال
کوش جهان حلقه کش میم اوست	خود دو جهان حلقه تسلیم اوست
همچون الف راست به صدق و صفا	اول و آخر شده بر انبیاء

انبیاء دید اولش الف آخرش هم الف است ضمنا اول انبیاء و آخر انبیاء هم اوست همچون الف راست به صدق و صفا اول و آخر شده بر انبیاء می و می گوید حالا می معنی میکند می الف و میم است:

امر و کویا به زبان ضحیح	از اول تا ز الف آدم و میم میج
نیم شب کمان ملک نیم روز	کمان عیان مثل کیت فرود
نه فلک دیده لادین کرد	زهره و ممش مثل داری کرد
کرد ربا در حرم کانت	چهار صد پنچ خط و شش جهت
گوهر شب را به شب غیر میم	گاه فلک بر ز کوه زمین

یک گوهری بود این شب گاو آسمان گفت این را بدهید به ما لازم نیست رو زمین باشد. (از سرطان ضمنا حمل و صور جزا سئله میزان عقرب قوس جد جدل و حوت را پشت سر هم آورده که می گوید)

او ستوده پیش کش آن منر	از سرطان تاج ز جواز کمر
خوشه کز او سنبه تر ساخته	سنبه را بر اثر انداخته
تاشب او را چقدر قدر هست	زهره شب پنج ترازو بدست

(زهره که در فلک ترازو است تراز و دستش گرفته زهره که ببینند که بسجند مقامات و کمالات او را). این شیخ رضای طالبانی یک داستان خیلی قشنگی نقل می کند تو یکی از کتابهاش که یک مسلمانی رفته بود پیش دوست مسیحی بعد آن دوست مسیحی گفت تو چی می گویی پیغمبر ما بالاتر پیغمبر شما است، پیغمبر شما رفت زیر خاک در صورتیکه پیغمبر ما رفت تو آسمان، گفت تو قرآن ما بخوان، گفت راستی می گویی تو قرآن است. خیلی ناراحت و افسرده اومد پیش شیخشان گفت این جواب این را بده دل ما خون شد از این ماجرا. گفت چی گفته آیا تو قرآن است بله در قرآن است درست هم است. گفت چطور درسته؟ برای اینکه اینها را گذاشتند فضائل در ترازو بکشند اون رفت آسمان این آمد زمین.



تأسیب اورا چقدر قدر است

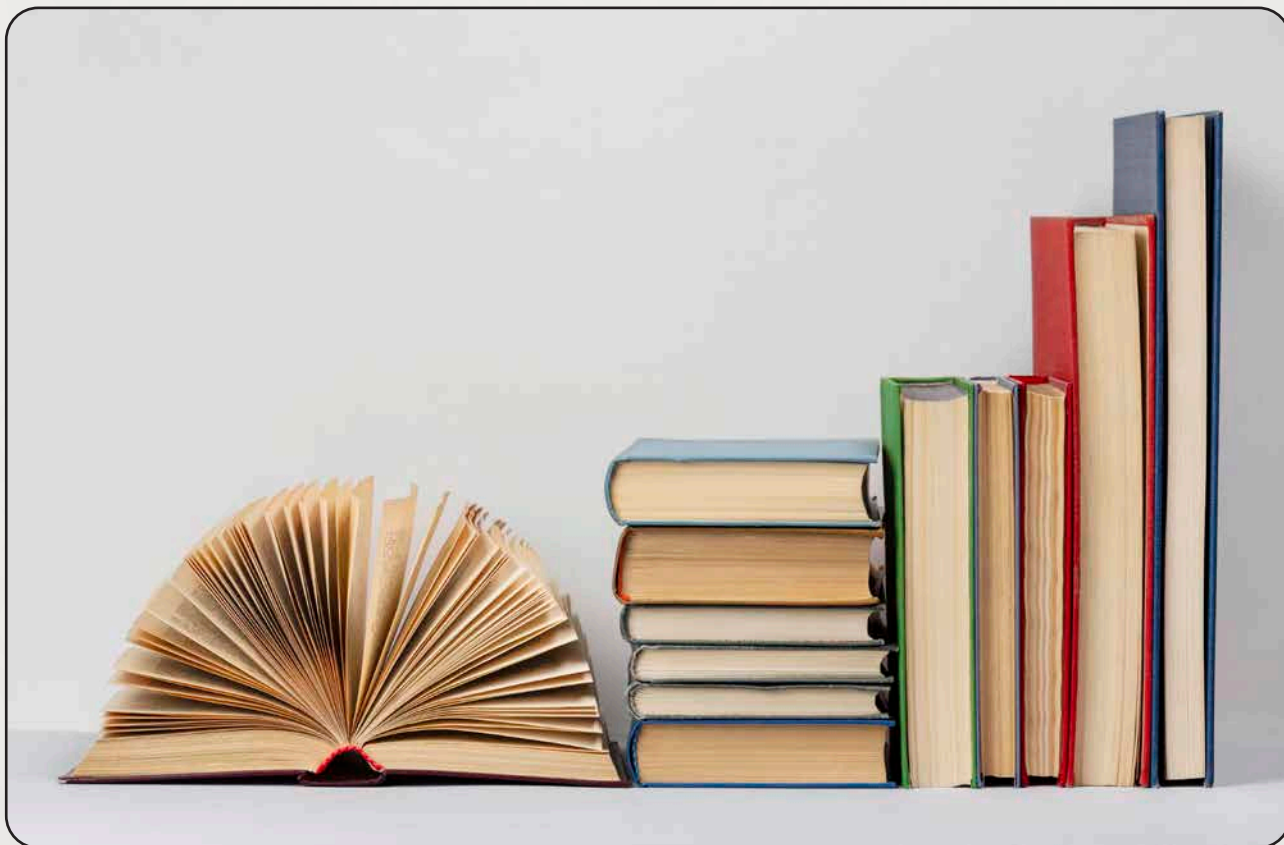
زهر و شب نخ ترازو بدست.

همین طور می‌رود تا آخر چقدر اطوارهای زیبا دارد این نظامی این نظامی آدم رو عاشق خدا میکند عاشق این رسول گرامی میکند هیچ کس انقدر عاشق حضرت محمد نبوده که این همه پشت سر هم ای مدنی برقه و مکین نقاب سایه نشین چند بود آفتا دلش نمی آید رها بکند پشت با زدو مرتبه می گوید هر دفعه معراج گفته هر دفعه معراجش دفعه دیگر است یک تکرار هم نکرده تو این معراج هاش هر کدام وزن و قافیه و مطلبش همه چیز متفاوت است چقدر عاشق بوده که می گوید: فتنه فرو کشتن از او دلپذیر فتنه شدن نیز بر او ناگزیر یک دو بیت هم از خیام براتون بخونم که میخور چون بی لطفی شده به خیام بیچاره البته خیام بیچاره نیست مابیحاره ایم که از برکات اون خودمان را محروم بکنیم خیامی که حجت الله الاسلام بوده، شیخ الرئیس بوده در زمان خودش القاب مذهبی گوناگون داشته توسط بزرگان زمان خودش صنایی بعنوان پیشرو حکیمان یاد کرده حکیمان الهی، یک عده می گویند آقا یک لابالی بوده تو می خانه برای اینکه شراب را نمی دانستند که معنیش چیست، فکر کردند همین است که خودشان دارند می خورند می خور که زدل حالا یک رباعی می خوانم براتان می خور زدل قلت و کثرت ببرد؛ انقدر ب فکر کم و زیاد نباش اون شرابی که خوردی خلاص میشی یک ذره بیشتر به سود ما می شود یک ذره موسیقی تر می شود چنین شد، انقدر رفت بالا، انقدر رفت پایین، دائما نوسان باشد روح مضطرب که چی چی رفت بالا چی چی اومد پایین. می خور که دلت قلت و کثرت ببرد. آدم شراب که خورد از خودش خلاص می شود بعدا فکر می کند چکار باید بکنم کارش را باید بکند به ما چه که پول زیاد می دهند یا کم می دهند به ما چه که ارزون شد، آن البته از نظر اقتصادی آدم برود تلاش کند وضع اقتصاد کشورش بهتر بشود، ولی نگرانی ندارد ترس داشته باشد از این که لان ارز بالا رفته یا پایین رفته. می خور که ز دل قلت و کثرت ببرد اندیشه ۷۲ ملت ۷۲ یعنی ۷۲ تا مذهب درست کردند درحالی که اینها با هم برادرند، با هم دوستند، ما یک آبی خداوند فرستاده و انزلنا من الاسما ماء این آب را حال یکی ریخته تو این ظرف البته حالا بحث رو این ظرفها است که یکی می گوید کوزه ما بهتره او یکی می گوید که کاسه ما بهتره. مسیحی می گوید کاسه ما اما اگر یک آدمی تشنه باشد و بیاد بالا کاسه کوزه ها ببینید هیچ کدام آب ندارد کدامش خوب است، هیچ کدوش خوب نیست اون خوبه که توش آبه ولو کوزش گلی باشد، البته بهتره کوزش کریستال باشد، تناسبات بهتری باشد عرض شود قدرها تقدیرا باشد و خیلی هم زیبا باشد ولی اصل اون آبه اصل دین تسلیم شدن به خدا است اصل دین جوانمردی انسانیت شرافت عرض شود خدمت به خلق و عظمت تعظیم فرمان الهی دو تا کلمه خلاصه می شود. حدیث پیغمبر اینست تمام دین دو تا کلمه خلاصه می شود و اگر من شفقت در دلم نیست شدم کمترین خیرم به کسی نمی رسد، فریب و مکر و عرض شود هزار اشکال در من هست آن وقت این چه تفاوتی می کند که حالا من آن کاسه و کوزه من به چه کیفیت در آمده. ما اول بریم آب را پیدا کنیم بعد کاسه و کوزهها را سر هم بشکنیم اشکال ندارد و من مقصود این نیست که ما ادیان مختلف نباشد ادیان مختلف باشد مذاهب مختلف باشد با همه هم بحث بکنند هر کدام توانستند قانع بکنند اگر من توانستم قانع کنم اگر اینجوری این کار را بکنی قشنگ تره وقتی نفس آدم نداره وقتی دچار نفس خودش نیست قبول می کند ولی وقتی دچار نفس خودش باشد فکر می کند نه باید گروه خودمان را تقویت کنیم اگر کسی هم حرف اضافه زد قبول نکنیم این است که: می خور که زدل قلت و کثرت ببرد اندیشه هفتاد دو ملت ببرد مولانا می گوید: یک رگ اگر در تن من هوشیار هست با او حساب دفتر ۷۲ اند کن یعنی اگر من را گیر آورید و هوشیار گیر آوردی آن وقت این بحث ها راباهاش کن پرهیز مکن ز کیمیایی که از او یک جوهری گوهری هزار علت ببری این یک شرابی است که پیک جرعه بخوری همه بیماریها و حرص خوب می شود حرص نفست بوده می گفتم برای من باشد وقتی من نبود از حرص خلاص می شود



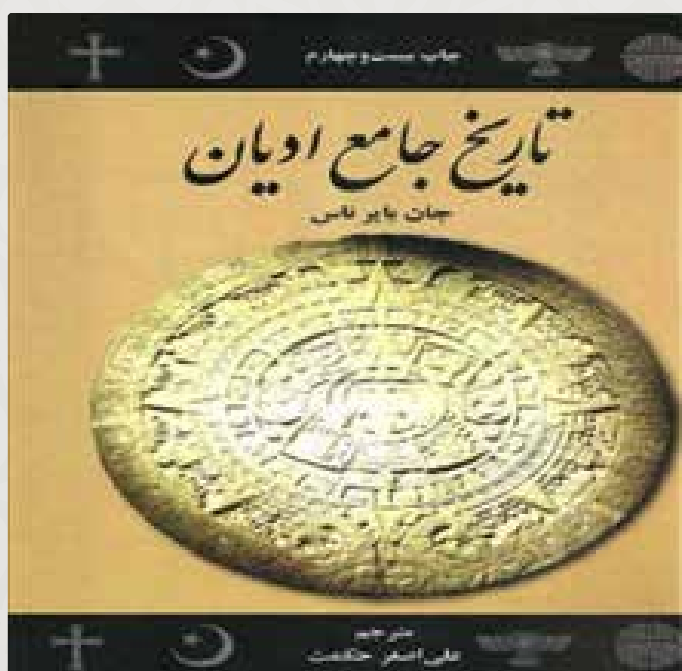
غرور هم اینکه من بالاتر از تو هستم تعظیم بکنی به من آن هم از بین می رود عجب و خودبینی از بین می رود خست از بین می رود هر صفتی که هست مال این است که من این هوشیاری و این عرض شود که محاسبات نفسانی خودم را دارم. پس یک جرعه خوری هزار علت ببری حسد از بین می رود حسد داری که چرا صدای آن یکی بهتر از منه خوب الحمدلله آن می خواند ما لذت می بریم چه بهتره که همه صفاتی داشته باشند ما هم مال تو نیست که مال من است اگر مثلا یک کسی صدایش خوبه مال او نه مگه می خواند برای ما می خواند. پس خداوند هدیه داده اصلا خداوند به ما می دهد از استعدادها اینها را باید هدیه بدهیم ما اینها را اصلا داده اند به ما که هدیه بدهیم اگر استعداد دادند نبوغ دادند، خوشنویسی دادند، خطاطی دادند، آواز دادند، هر چی به ما دادند علم دادند این را پخش کنین ندادند باصطلاح سود و سودا راه بندازید باهاش. البته باز هم مقصود این نیست که در عالم در بازار سود و سودا نبایستی که هنر قیمتی داشته باشد آن باید داشته باشد ولی هنرمند فکر سود و سوداها نیست، در درجه اول به فکر هنرشه. حالا یک بیت هم از بابا طاهر بخوانیم، دلی دام خریدار محبت ببین چقدر این شعر قشنگه ساده ولی زیبا است دلی دارم خریدا محبت کز او گرم است بازار محبت چون وقتی آدم خریدار شد بازارش را گرم موسیقی کند دیگر مشتری اومده تو بازار بازار گرم می شود چه بهتر که آدم بازار محبت را گرم بکند خیلی خوبه یک نفر عاشق پیدا بشود یک نفر آمده مشتری محبته بازار محبت گرم می شود و ما اگر واقعا بخواهیم هم جامعه خودمان هم جامعه بشری به طور کی اصلاح بشود هر فرد انسانی می توانم بگویم سه تا تعهد دارد. من بعنوان یک انسان یک تعهد دارم بعنوان یک انسان تعهد این است کاری بکنم انسانها دلشان گرم بشه که هر کسی من را دید آدمیت چقدر خوب است آمیزاد چیز خوبی است. آمیزاد شکسپیر می گوید چقدر خوبه چقدر شریف و والا است این را بگویند برای ما هر آدمی این تعهد را دارد من تعهد ندارم نقاش بشم استعداد ممکنه نداشته باشم ولی هر آدمی این تعهد را دارد که آمیزاد بشود که من هر که من را دید بگوید آقا دروغ آدم راستگو نمرده هست این آقا راست می گوید آن آقا با محبته آن آقا این صفت و کمالی دارد این شرافت نفس هنوز در دنیا هست، هنوز جوانمردی هست هنوز بزرگواری و بخشش هست هنوز مهمانی می دهند، مردم هنوز همدیگر را دعوت می کنند و به هم عشق میورزند، هر آدمی واجب است این کار را بکند بعد بعنوان قومیت خودش من ایرانیم هر ایرانی یک کاری بکند بگویند چقدر ایرانیها خوبند، به به از ایرانی هر چی ایرانی دیدم خوب بوده و هنرمند بوده با ذوق بوده در آن سخنرانی لندن اگر دوستان دیده باشند آن جا اشاره کردم وقتی با قالی باف قمشه ای صحبت کردیم که تو برا چی این را ساختی، انگیزت چی بود، دلم می خواهد سرم را بلند کنم بگویم ایرانیها این هم ذوقم. همه ما این کار را بکنیم هر ایرانی وظیفش این است ایرانی را سر بلند کند من به اندازه وجود خودم بگویم ایرانی سربلنده یک ایرانی به این خوبی بعد هم بیایم تو قوم خودمان یک خورده جلوتر کرد هستیم به نظر من هر کردی موظفه که کرد بودن را سر بلند بکند، ما نباید افتخاراتمان گذشتمون باشه من یک نفری اگر که انسان خوبی باشم حالا هنرمند باشم چه بهتر عالم باشم چه بهتر همت بکنم به جاهای بلند برسم چه بهتر اما اگر هیچ کاری نتوانم بکنم آدم خوبی بشم تا اینکه مایع سربلندی قوم خودم بشم. پس اگر که انسان خریدار محبت بشود دلی دارم خریدار محبت کز او گرم است بازار محبت لباسی بافتم بر قامت دل ز پود محنت و کار محبت گفتش که پریشانم پریشانم فریدم پریشان گویی کردم نمی دانم چی گفتم می خواستم که از همه شعرای بزرگ ایران یک گوشه ابرو نشان بدهم ولی حالا نمی رسیم دیگه فقط از مولانا یک مکالمه ای هست که خیلی زیبا است همه مثنوی زیبا است بعضی ها بی لطفی می کنند مورد مولانا می گویند مولانا بیشتر فکر و اندیشه است و زیبایی کلام و شاعرانه یعنی کلامش شاعرانه نیست و اینطوری نیست این اشتباهه شعر نمی داند یعنی چی، انقدر لطایف در مثنوی است همه ابیاتش خوبه چرا برای اینکه تناسبات دارد، منتها یک کلمه ای را بکار می برد که کلمات خوشایند نیست کلمات برای همان جا که بکار می برد خوب است. وقتی می گوید لنگ و لوک

چفته شکل بی ادب سوی او میقیژ و او را می طلب چقدر قشنگه این یعنی با هر جان کندی که هست بمیر و بدم هر جور میتوانی طالب او باش نشسته برخاسته نشسته خوابیده رو پهلو لنگ و لوک چفت شکل و بی ادب سوی او میقیژ و اورا میطلب بد است این شعر. این طلب در تو مبارک جنبشی است این طلب در راه حق آتش کشی است این طلب همچون خروسی در سیاه می زند نعره که می آید صبا معدن دنبه نباشد دام گرگ حالا گرگ و دنبه و اینها ممکنه کلمات شاعرانه نباشد ولی ببینید شعر چقدر شاعرانه است می گوید یک روباهی آمده بود یک روباهی آمده بود چشمش افتاد به یک دنبه گفت به عجب دنبه عالی بعد زیرک بود گفت اینجا دنبه را بیخودی نگذاشتند نکنه می خوان ما را شکار کنند گرگ حریصی را گیر آورد حرص ما است که ما را می اندازه د تو دام یک گرگ حریصی را گیر آورد گفتش که من چون ارادت خاصی به جنابعالی داشتم گفتم جنابعالی این دنبه را میل بفرمایید در شأن من نیست دنبه به این تازگی و خوبی گرگها را آورد گرگ هم پرید آن جا دنبه پری که رو به خورد و آن هم در دام گرفتار شد حالا ببین مولانا چی می گوید: معدن دنبه نباشد دام گرگ تو اگر می خواهی به آن اصل لذت و شادی برسی این یکذره که گذاشتند اینجا دامه ولش کن کی شناسد معدن آن گرگ سترگ. بنابراین تمام ادبیات مولانا حال گاهی اوقات قصد و سمین دارد ولی پر از زیبایی است حالا این قطعه ای که می فرماید که: این زمان جان دامن بر تافته است بوی پیراهن یوسف یافته است صحبت شمس می کند بعد فیلس یاد هندوستان می کند جانم آمده که می گوید: کز برای حقم جان سالها باز گو رمزی و آن خوشحالاها تا زمین و آسمان خندان شوم روح و عقل و دیده صد چندان شود گفتم ای دور افتاده از حبیب همچو بیماری که دور از طبیب لا تکلفی نی ما را تکلیفمان نکن گفت آل گفتش که به من طعام بده من گرسنمه تو مگر خود مرد صوفی نیستی مرد را از نسیه خیزد نیستی گفتمش پوشیده خوشتر سر یار خود تو در ضمن حکایت گوش دار خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته اید در حدیث دیگران گفتم که پنهانی برات می گویم گفت پنهان و عریان برهنه بی قلول باز گو رنجم مده ای بولفضول گفت نمی خواد این سر و صداها را بکنی صاف پوست کنده به ما بگو گفت اگر عریان شود او در میان نیک تو مانی نه کنارت در میان ان شاءالله برویم در آن بهشتی که تو همین عالم می توانیم درست کنیم همان بهشتی که ارض السموات و الارض و آن جا فراخنایی باشد و بتوانیم حرف دلمان را با همدیگر مبادله کنیم وهم و هم دل و هم زبان بشنویم که هم زبانی خویشی و پیوندی است والسلام.



معرفی کتاب

تاریخ جامع ادیان



نویسنده: جان بایر ناس

مترجم: علی اصغر حکمت

ویراستار: پرویز اتابکی

موضوع: ادیان

چاپ نخست: ۱۳۴۵

معرفی کتاب جامع ادیان:

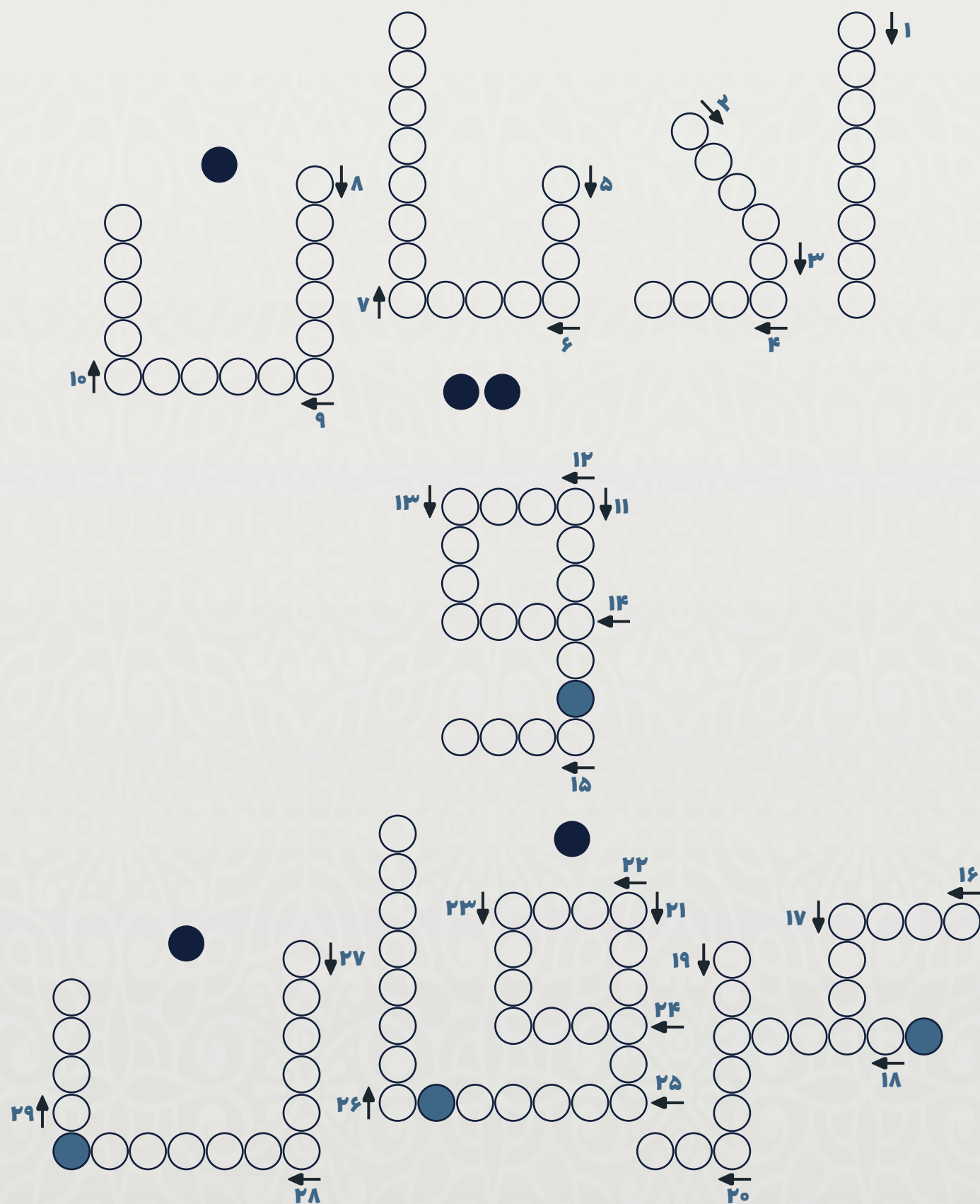
کتاب تاریخ جامع ادیان یا (ادیان بشر) تالیف جان ناس که به وسیله مرحوم علی اصغر به کسوت ترجمه فارسی در آمده در سالیان گذشته بارها چاپ

شده، هنوز در نوع خود کتاب منحصر به فردی است که در زمینه تاریخ جمیع ادیان در دسترس عموم قرار دارد.

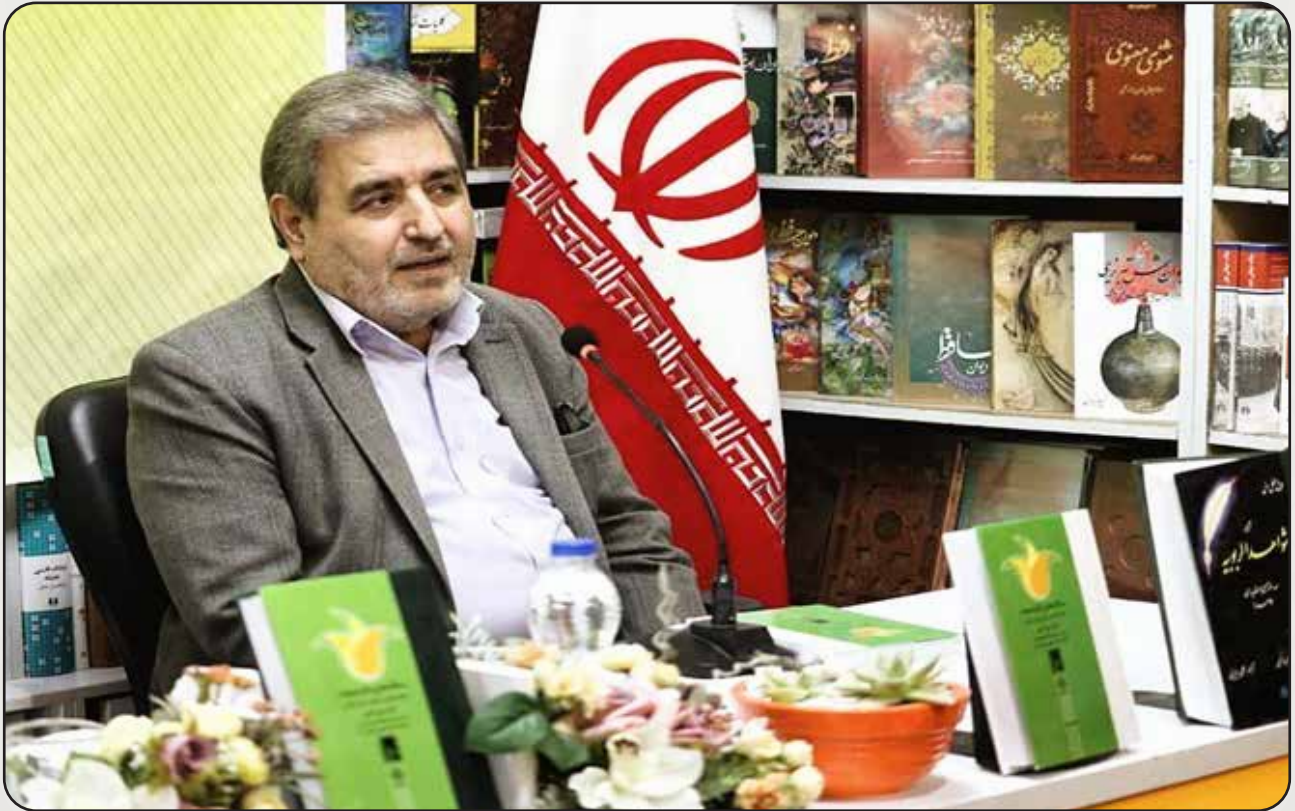
مقدمه بر بخش نخست؛

همه ادیان، به هر راه و بیانی که باشد متفقند بر اینکه انسان قائم به ذات خود نیست و نمی تواند باشد. زندگی او به نحو اساسی به قوای موجود در طبیعت و احتمال خارج از ذات او پیوسته و بلکه وابسته بدانست. انسان، به طور مبهم یا روشن می داند که قوه مرکزی مستقلی که بتواند جدا از این جهان قائم به نفس خود باشد نیست. این ادراک در مشاعر ابتدایی به صورت اعتقاد به وابستگی به قوا و نیروهای موجود در محیط مجاور اجتماعی و طبیعی آغاز شده و در ادیان برتر، به صورت اعتقاد به علت اولای اشیا و اعتقاد به موجودی انسانی یا غیر انسانی که آفریننده عالم و اصل حاضر و موحد هستی و عملکرد آن است در آمده است. ادیان در هر یک از این دو حالت، به عنوان قاعده کلی انسان را به قوه قوای عامل طبیعت و اجتماع از نزدیک مربوط می دانند و این هردو را همچون گردونه های قدرت و یا حامل آن می انگارند. اگر چه اعتقاد به خدا در ادیان برتر موجب می شود که مردم خود را در این جهان همچون مسافری غریب پندارند و مسکن واقعی خود را در آسمان بدانند اما این اعتقاد به طور کلی نوعی در همه ادیان انسان عمومیت ندارد؛ در حقیقت چنین اعتقادی ایمانی است که در وضعی خاص ایجاد شده است روش کلی براین است که رابطه میان انسان و جهان او رابطه ذاتی و حیاتی است، نه عرضی و خارجی. اگر گاهی چهره ظاهری طبیعت غیر قابل اعتماد نشان داده شده اما درجه عالی تر واقعیت به امری ژرفتر در درون طبیعت نسبت داده شده است. بیشتر مردمان، از جنگل نشینان گرفته تا افراد اجتماعات پیشرفته در فرهنگ، انسان را تنها غرض غائی همه چیز نمی دانند. چنین اعتقادی مخالف آن احساس بسیار عمیقی است که به موجب آن همه حیات و هستی انسان وابسته به قوایی است که خارج از ذات اوست، ولی به یک معنی در طبیعت با او همانند است و باید او هماهنگی کند. احساس اصلی همه ادیان همین است. برای اینکه این معنی از پیشاپیش درک شود، باید به ادیان ابتدایی و گذشته توجه بیشتری کرد ممکن است گفته های این ادیان غیر فلسفی و غیر علمی باشد، یا چیزی جز قبول بی چون و چرای دریافت های حواس یا امور خیالی رمزی نباشد، اما این ادیان، به شیوه خاص خود، آنچه بهتر توانسته اند گفته اند.

جدول کلمات ادیان و عرفان



۱. موسس یسوعیون؟
۲. بزرگترین خدای یونانی؟
۳. لفظی که به معنای آیین است و برای یهودیان تقدس دارد؟
۴. نام زرتشت در قرآن کریم؟
۵. اوج کمال انسان در آیین هینه یانه؟
۶. استقبال قضا به رضا؟
۷. فرشته مرگ؟
۸. خدای منشا وحی و الهام یونانی ها؟
۹. یکی از شش خدای برتر عصر سومر؟
۱۰. در هندوئیسم به معنی وظیفه و رسالت هر فرد در زندگی؟
۱۲. اقامت طالب بر ادای حقوق مطلوب به شدت اجتهاد و صحت نیت وی؟
۱۳. کسی که درهای اسما به روی او باز شده و از متوصلین به خداوند است؟
۱۴. حلول معانی به دل، آنچه وارد شود بر قلب از خواطر پسندیده بدون تفکر و تدبر گاهی بر مطلق واردات اطلاق می‌شود؟
۱۵. نام دیگر مزدیسنا و یک مراسم مهم در آن؟
۱۶. عالم مشهودی بین عالم معانی و اجسام؟
۱۷. در عرفان، مقام ذات خداوند که شامل همه کمالات وجودی است؟
۱۸. شخصی که به حضرت مسیح خیانت کرد و او را لو داد؟
۱۹. معنی واژه سیدارتا؟
۲۰. در اصطلاح عرفانی به معنی ترک شبهات؟
۲۱. پدر آسمانی که مولد باران و موجد اشعه آفتاب در روم بود؟
۲۲. عبارت است از رؤیت عیان، به قوت ایمان، نه به حجت و برهان؟
۲۳. چهل نفرند که شغل آن‌ها برداشتن بارهای خلق است؟
۲۴. جشن مربوط به ایزدمهر که شب زایش و تولد این ایزد است؟
۲۵. تبدیل صفات زشت و نکوهیده به حالت پسندیده؟
۲۶. صادر کننده‌ی قتل مانی و مانویان؟
۲۷. در عرفان، دل روشن به معرفت را گویند؟
۲۸. یک سفر از کتاب مقدس یهودیان؟
۲۹. در اصطلاح عرفانی، رساننده فیض؟



به یاد استاد علی غفاری

روزگار همه ماتم شده است
سایه است از سرماکم شده است

زندگیم سر تو چه مهمب شده است
باورم نیست که ای ابر امید

انا لله و انا الیه راجعون

روح استاد فرهیخته، الگوی گذشت، مدارا، صداقت، علم، اخلاق، عرفان دکتر علی غفاری مدیر گروه ادیان و عرفان دانشکده ادبیات و علوم انسانی از میان دانشگاهیان و هم شهریان پر کشید در آغوش رحمت و رضوان الهی آرام گرفت. این ضایعه و تالم جبران ناپذیر را خدمت عموم همشهریان، دانشگاهیان، خصوصاً همکاران عزیز در دانشگاه محقق اردبیلی و خانواده داغدارش تسلیت گفته و از درگاه خدای رحمان علو درجات برای آن استاد مهربان و صبر و تسلی را برای همسر، فرزند دلبد و برادرانش را خواستارم. مرحوم دکتر علی غفاری صرفاً همکار دانشکده و دانشگاه نبود بلکه برادر سلیم النفس، تکیه گاه مطمئن و روح بزرگ برای همگان بود دریغا که برادر امین خود را از دست دادیم.

«کارکنان و دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی»

دل نوشته‌های دانشجویان به استاد غفاری:

دانشجوی کارشناسی ارشد عرفان اسلامی - حسین بضاعت‌پور

تقدیم به،

روح بلند و ملکوتی استاد مرحوم جناب آقای دکتر علی غفاری عزیز روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

دل از ما برد و روی از ما نماند کرد	خدا را با که این سبازی توان کرد
به لطف و مهر و طبع شوخ و شیرینم	بسر اسرار عرفان را عیان کرد
ز سوز دلخ‌جبران و فراقش	مرا صحراییه و پر بطنان کرد
تقریب رحمت حق مآروش	که عمری نشردرس عارفان کرد

دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان - فرشاد حمیدزاده

وجود یادگاری موجب بقای همیشگی در یادها و خاطرات است. استاد بزرگوار، یادگاری در قلب و جان ما نهاده است که تا زنده‌ایم آن را فراموش نخواهیم کرد با اینکه سال‌های کمی از وجودشان بهره‌مند شدیم. او به شاگردان خود آیین مهرورزی و عرفان و توسل به خداوند و راستی آموخت. ما همیشه قدردان زحمات ایشان خواهیم بود. استاد خوش‌خنده و کوشا که پا به پای درس‌ها و امور انجمن به ما کمک کرد و همه جا با ما حضور داشتند. این اواخر که ویروس کرونا بود، آن موقع هم نگران ما بودند و می‌گفتند که مواظب خودتان باشید. حالا فقط عکس‌هایشان پیش ما مانده... باشد که در سرای آخرت مورد مهر و رحمت پروردگار متعال قرار گیرد.

دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان - شهاب‌الدین کفاش‌چیان

استاد غفاری استادی خوش اخلاق و مهربان برای ما بود، استادی که همیشه لبخندی بر لب داشت، ما به عنوان دانشجوی استاد غفاری در چند ترم از ایشان تواضع و فروتنی رو یاد گرفتیم. روحشون شاد باشه. مهربون باشیم چون زندگی پر از خداحافظی‌های غیرمنتظره هست.

دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان - آناهیتا شریعتی

خاطره‌ای از استاد غفاری

استاد عزیز این توفیق نسبیمن نشد که بیشتر از تجربیات شما بهره‌مند شویم؛ یادش بخیر اولین بار شما را فقط یک جلسه به صورت حضوری زیارت کردیم و بعد از آن فقط صدای شما در گوش ما طنین انداز کرد استاد در کلاس مجازی یک روز شما میکروفون من را روشن کردید و از من خواستید تا متن را ترجمه کنم وسط ترجمه کردن بودم که گفتید به گوردی متن رو بخون واقعا خندم گرفته بود حتی زبان فارسی را هم فراموش کرده بودم اما بالاخره خندم بعد از کلاس همش یاد حرف‌های شما می‌افتادم و خندم میگرفت در آخر گفتید سمت چه معنی میده گفتم ملکه ای ابها به زبان گوردی از من تشکر کردید و گفتید ملکه، خیلی خوب بود این خاطره رو هیچ وقت فراموش نمیکنم حیف که سعادت‌مان کم بود و خداوند شما رو بیشتر دوست داشت و شما را آسمانی کرد، روحتان شاد و یادتان گرامی باد.



دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان - رقیه عطایی

استاد عزیز بعد از درگذشتان تنها چیزی که موجب تسلاهی خاطرمان خواهد شد پاس داشت مهر و محبتی است که شما با تمام وجودتان در قلب‌های ما به یادگار گذاشتید. بدون شما چه سخت است پا گذاشتن در مکانی که با وجود شما گلستان بود و امروز ویرانه‌ای بیش نیست. ما با شما همسفر یک راه بودیم سخت است در تاریکی ماندن بدون همسفری دلسوز و مهربان. روحتان شاد استاد غفاری گرانقدر.

تصاویری از گرامیداشت روز معلم و اساتید با حضور استاد غفاری و استاد زاهدی و اعضای انجمن علمی ادیان و عرفان:



بازدید اعضای انجمن علمی ادیان و عرفان با استاد غفاری:



حضور استاد غفاری در کارگاه منجی و نجات بخشی از دیدگاه شیعه و سنی:





جلسه هم اندیشی اعضای انجمن علمی ادیان و عرفان با استاد زاهدی: ۱۴۰۱/۱/۲۸



معرفی اعضای انجمن علمی ادیان و عرفان ۱۴۰۱-۱۴۰۰

اعضای اصلی:

شهاب الدین کفاش چیان

امیر حسین صادقی

هانیه موسوی کلان

ندا دانشیان

فرشاد حمیدزاده بیله درق

اعضای علی‌البدل:

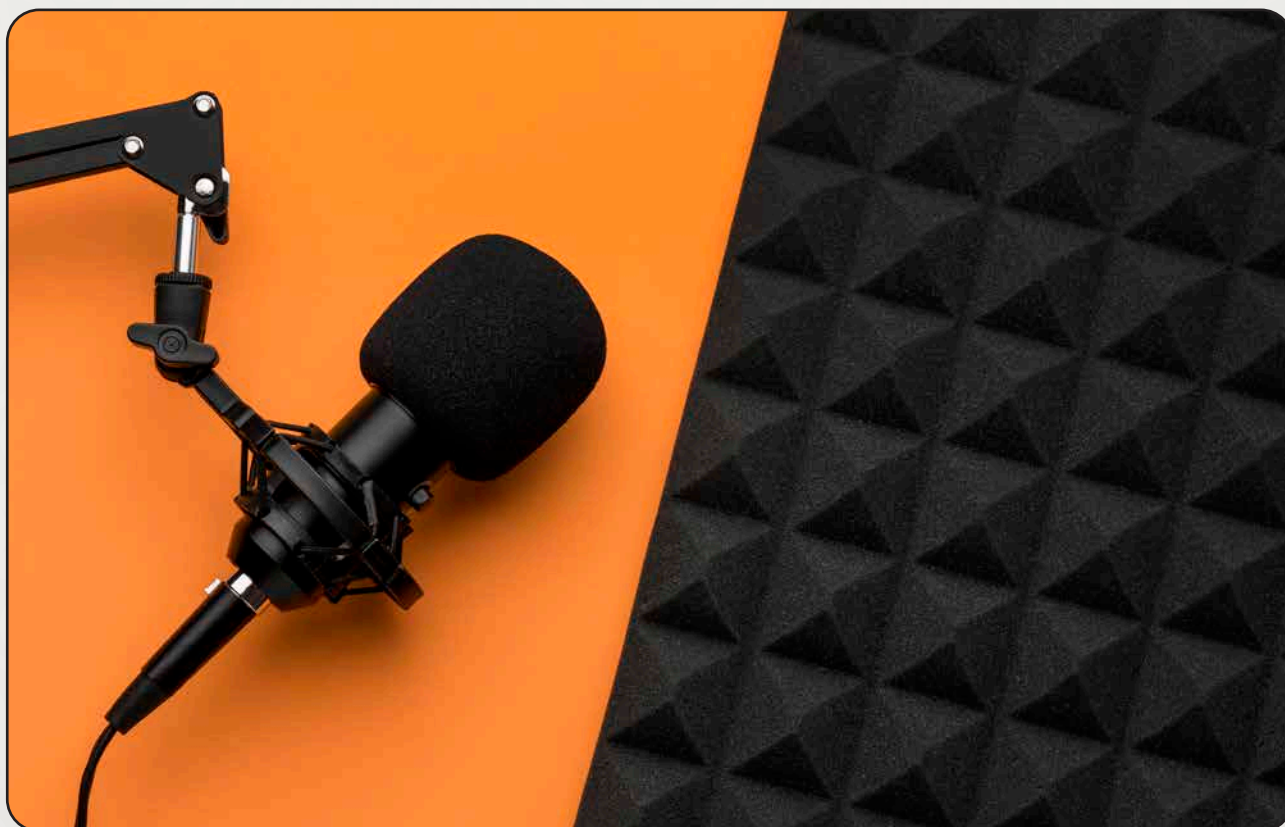
مرتضی هژیر اجرلو

رضا امیری اقبالغ رستم خان

نشریه حق‌الیقین:

مدیر مسئول: فرشاد حمید زاده بیله درق

سردبیر: شهاب الدین کفاش چیان



مصاحبه

مصاحبه شونده: معصومه بابانژاد
دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی

مصاحبه کننده: شهاب‌الدین کفاش چیان
دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی

با سلام، لطفا خودتون رو به طور کامل برای ما معرفی نمایید:

به نام خدایی که در این نزدیکی‌ست،
با عرض سلام، معصومه بابانژاد هستم، فارغ‌التحصیل کارشناسی رشته‌ی ادیان و عرفان، و در حال حاضر دانشجوی کارشناسی ارشد عرفان اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی.

۱) رتبه شما در کنکور ارشد چند شد؟

رتبه‌ی ۹ آزمون سراسری کارشناسی ارشد، سال ۱۳۹۹.

۲) آیا اولین باری بود که در کنکور ارشد شرکت می‌کردید؟

بله برای اولین بار بود.

۳) استارت اصلی را از چه زمانی برای آزمون زدید و روزانه چند ساعت درس می‌خواندید؟

حدود دو یا سه ماه مانده به برگزاری کنکور به طور جدی شروع به مطالعه کردم، اما ناگفته نماند که کم و بیش در طول زمان تحصیل هم مطالعه داشتم.

۴) از چه زمانی این علاقه را در خود احساس کردید و تصمیم گرفته بودید تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه دهید؟ قبل از طی کردن این مسیر آیا با کسی هم مشورت کردید؟

با توجه به این که من رشته‌ی ادیان و عرفان را با علاقه انتخاب کردم، از زمانی که وارد این رشته شدم تصمیم برای ادامه تحصیل داشتم و جز برنامه‌های بلند مدت من از زمان ورود به دانشگاه بود، بله بنده خوشبختانه اساتید دلسوز و بسیار باسوادی در این رشته داشتم از جمله مرحوم دکتر علی غفاری، دکتر اشرف میکائیلی و مخصوصاً دکتر بهمن زاهدی عزیز که همواره مشوق و راهنمای بنده بودند.

۵) آیا کلاسی هم شرکت کردید؟ جزوه هم می‌خواندید؟

نه من کلاس خاصی شرکت نکردم و جزوه‌ی خاصی هم مطالعه نکردم؛ تنها منابعی که از طرف سازمان سنجش معرفی شده بود و سوالات کنکورهای سال‌های قبل را مطالعه کردم.

۶) زمان شروع به خواندن تصور میکردید که جزء نفرات برتر باشید؟

بله، با توجه به اینکه منابع مطالعاتی ما در طول تحصیل از طرف اساتید درجهت ادامه تحصیل معرفی میشد، و با توجه به شناختی که از خودم داشتم انتظار رتبه برتر بودن را داشتم.

۷) برنامه درسی شما در این ایام چگونه بود و میانگین روزانه چند ساعت مطالعه می‌کردید؟

هر روز ساعت خاصی برای مطالعه داشتم، و طبق برنامه و زمان‌بندی که مدنظرم بود حتماً مطالعه میکردم، میانگین خاصی همیشه در نظر گرفت ولی سعی میکردم هیچ روزی را بدون مطالعه سپری نکنم.

۸) آیا در آن ایام زمان‌هایی بود که از درس خواندن خسته شوید؟

نه من از مطالعه خسته نمیشدم، چون به رشته‌ی خودم و مباحث درسی آن بسیار علاقه داشتم و تا حالا از مطالعه و درس خواندن خسته نشدم.

۹) نقش برنامه‌ریزی را چقدر مهم می‌دانید؟

بسیار زیاد، چون اصولاً بدون برنامه‌ریزی همیشه کاری را شروع کرد و به نحو احسن به پایان برد، برای کل ساعات روز برنامه داشتم و برنامه‌ای جداگانه برای مطالعه که خودش شامل چند برنامه میشد.



۱۰) درس خواندن و آزمون دادن در شرایط کرونا را چگونه مدیریت کردید؟

به علت شرایط کرونایی در منزل درس میخوندم، با توجه به اینکه به علت کرونا زمان آزمون چند بار هم تغییر کرد فرصت بیشتری برای مطالعه و جمع‌بندی دوباره‌ی مطالب پیدا کردم، و سعی کردم خودم را از استرس و تنشی که به علت تغییر زمان آزمون بین داوطلبین به وجود آمده بود دور نگه دارم.

۱۱) به نظر خودتان عوامل موفقیتتان چه مواردی هستند؟

توکل کامل و واقعی به خداوند، اعتماد به نفس، علاقه به رشته، حمایت خانواده و اطرافیان و راهنمایی اساتید بزرگوارم.

۱۲) توصیه‌ای که به داوطلبان امسال کنکور ارشد دارید و راهمایی شما به عنوان دانشجوی ارشد و رتبه برتر به دانشجویان کارشناسی هم رشته‌ی خودتان چه میتواند باشد؟

اگر قصد ادامه تحصیل در مقاطع بالاتری رو دارید هیچ ساعتی از روز را بدون مطالعه سپری نکنید و برنامه‌ریزی منسجمی برای خود داشته باشید، هیچ کدام از منابع را بدون مطالعه نگذارید، توکل به خدا در کنار تلاش شما را به هر چیزی که متصور باشید خواهد رسانید.



نیم نگاهی به فعالیت‌های انجمن

گزارش عملکرد انجمن:

برگزاری اولین رویداد ایده پردازی حوزه ادیان و عرفان، توسط انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی؛

انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی برگزار می‌کند.

**اولین رویداد ایده پردازی حوزه
ادیان و عرفان**

فروردین ۱۴۰۱

مهلت ارسال ایده ها تا ۳۰ اردیبهشت
پس از تازوی، به ایده های برتر طرح تقدیر و جوایز اعطا خواهد شد.

محورهای رویداد:

- کارآفرینی
- تولید محتوا
- آموزش و یادگیری
- علمی، فرهنگی، چالش های اجتماعی
و سایر حوزه های مرتبط با ادیان و عرفان

جهت شرکت در اولین رویداد ایده پردازی حوزه ادیان و عرفان
به دایرکت و یا ادمن کانال انجمن مراجعه فرمایید.

برگزاری مسابقات عکاسی از اماکن تاریخی و ادیبانی، و کتابخوانی توسط انجمن علمی ادیبان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی؛

انجمن علمی ادیبان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی برگزار میکند:

همراه جوایز نقدی

مسابقه عکاسی

از اماکن تاریخی و ادیبانی



- ویژه دانشجویان ادیبان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی
- جهت اطلاعات بیشتر به ادمین کانال انجمن پیام دهید.
- مهلت ارسال آثار: ۴ خرداد ماه ۱۴۰۱



انجمن علمی ادیبان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی برگزار میکند:



کتاب تاریخ جامع ادیبان

جان بایر ناس
مترجم: علی اصغر حکمت



جهت شرکت و ثبت نام و اطلاعات بیشتر به ادمین کانال انجمن مراجعه کنید.
@SHAHABEBO

مسابقه کتابخوانی

تاریخ کتابخوانی: ۱ خردادماه تا ۸ خردادماه
تاریخ آزمون: ۹ خرداد ماه ۱۴۰۱

همراه جوایز نقدی:

- نفر اول: ۲۰۰۰۰۰۰ ریال
- نفر دوم: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال
- نفر سوم: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

«ویژه دانشجویان ادیبان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی»

برگزاری کارگاه های آموزشی بصورت مجازی و حضوری:

انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی برگزار میکند:

موضوع: نفس و بازناب آن در متون مولانا
 سخنران: سرکار خانم زلیخا پناهدوست
 دانشجوی کارشناسی ارشد عرفان اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی

زمان: دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ ساعت ۱۱ مکان: بصورت مجازی - skyroom

انجمن علمی ادیان و عرفان برگزار میکند:

#مطلبه-ویمنای-ادبانی

موضوع: معجزات قرآنی و مکاشفات عرفانی
 سخنران: سرکار خانم مریم نوروزی
 دانشجوی ارشد عرفان اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی

زمان: یکشنبه ۲۲ اسفند، ساعت ۱۶

بصورت مجازی - skyroom
 شرکت برای عموم آزاد و رایگان است.

انجمن علمی ادیان و عرفان برگزار میکند:

موضوع: عرفان های متون نورانی در ایران

سخنران: سرکار خانم معصومه بابانژاد

زمان: چهارشنبه ۲۴ آذر ساعت ۱۶

بصورت مجازی - skyroom

انجمن علمی ادیان و عرفان برگزار میکند:

موضوع: بررسی تاه نخستین از دیدگاه اسلام و مسیحیت

سخنران: جناب آقای سید مهدی رحیم

زمان: دوشنبه ۲۲ آذر ساعت ۱۸

بصورت مجازی - skyroom

انجمن علمی ادیان و عرفان برگزار میکند:



موضوع: سیر ماهل بیت (ع) در آثار صوفیه

سخنران: سرکار خانم مریم نوروزی

زمان: شنبه ۲۷ آذر ساعت ۱۸



بصورت مجازی - skyroom

انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی برگزار میکند:



بررسی، رابطه‌ی تصوف و تشیع

سخنران: سرکار خانم معصومه بابانژاد
دانشجوی ارشد عرفان اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی

زمان برگزاری: سه شنبه، ۱۴۰۰/۱۲/۱۷ ساعت ۱۶

بصورت مجازی - skyroom لینک: <https://www.skyroom.online/ch/uma/adyan>




انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی برگزار میکند.

موضوع: زرتشتیان ایران

سخنران: سرکار خانم معصومه بابانژاد
دانشجوی کارشناسی ارشد عرفان اسلامی
دانشگاه محقق اردبیلی

حضور برای عموم آزاد و رایگان است.

زمان: سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ ساعت ۱۴
مکان برگزاری: سالن استاد رضا سید حسینی دانشکده ادبیات و علوم انسانی



تصاویری از برگزاری کارگاه زرتشتیان ایران به سخنرانی سرکار خانم معصومه بابانژاد:





برگزاری مراسم بزرگداشت روز معلم و به یاد استاد غفاری:

بزرگداشت روز معلم و به یاد استاد غفاری
مهمان: دکتر مرتضی ابراهیمی
رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه محقق اردبیلی

زمان: دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ساعت ۱۳
مکان برگزاری: مکتان برگزاری

skyroom: <https://www.skyroom.online/ch/uma/adyan>

برگزاری کارگاه آموزش زبان عبری:



انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی برگزار میکند:

مدرس: دکتر عاطفه عبدی

(سطح یک)

آموزش حروف (بخش مقدماتی کتاب هیود و دو درس اول)

زمان:

شنبه ها ساعت ۷ تا ۱۸:۳۰

از ۸ مرداد تا ۹ شهریور هفت جلسه (۱۰ ساعت)

همراه ارائه گواهی معتبر

کارگاه بصورت مجازی برگزار خواهد شد

Adobe Connect

شرکت برای عموم آزاد میباشد.

برای ثبت نام و اطلاعات بیشتر به شماره زیر
در ابتدا، تلگرام، واتسآپ پیام دهید

09147442491

کتاب آشنایی با

کارگاه آموزشی زبان عبری

کورس ללימוד השפה העברית

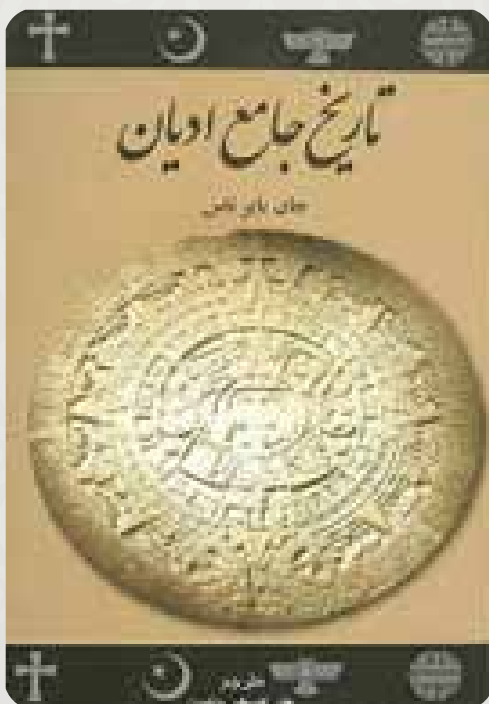
فلا هو بالقرب الذي يريح الفؤاد
ولا هو بالبعد الذي ينهي حبال الأمل

نه آنچهنان نزدیک است که دل آرام گیرد
نه آنچهنان دور، تا رشته‌های امید بگسلد
محبی الدین ابن عربی



منابع کتور ارشد ادیان و عرفان

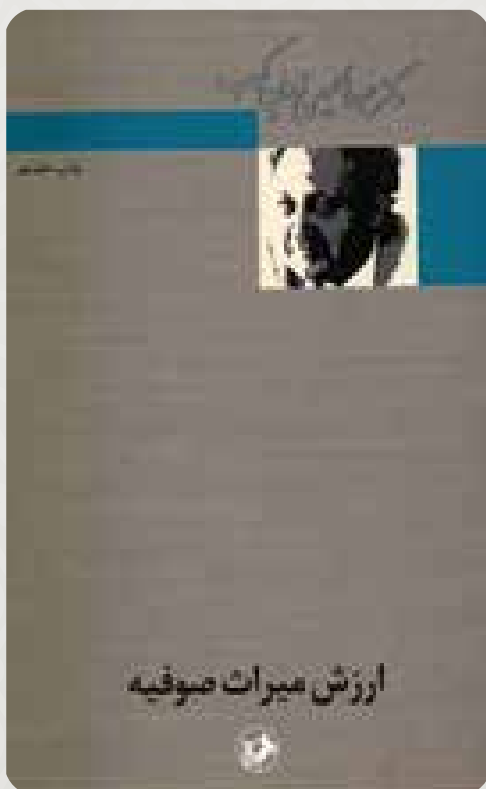
تاریخ جامع ادیان، جان ناس



ادیان آسیایی، مهرداد بهار



ارزش میراث صوفیه، دکتر عبدالحسین زرین کوب



جستجو در تصوف دکتر عبدالحسین زرین کوب ۲ جلد



ترجمه و شرح مبادی العربیه: قسمت صرف، تالیف رشید شرتونی جلد ۴



ادیان جهان باستان جلد ۳، ۲، ۱



کسب رتبه برتر کنکور سراسری کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱ توسط دانشجویان ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی:

کسب رتبه برتر کنکور سراسری
کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱

سرکار خانم زهرا میرکافلی رتبه ۲۵ کشوری رشته ادیان و عرفان

انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی، کسب رتبه برتر کنکور کارشناسی ارشد توسط دانشجویان ادیان و عرفان را تبریک میگوید.
با آرزوی موفقیت روز افزون

حق الیقین

حق الیقین بالاترین مرتبه از مراتب سه‌گانه یقین در عرفان اسلامی در کنار علم الیقین و عین الیقین است. شهید مطهری می‌گوید در این مرحله انسان خود را با خدا در تماس می‌بیند و در همه چیز خدا را مشاهده می‌کند. این نوع از یقین، اتحاد با حقیقت دارد و ویژه مقربان است.

هدف از انتخاب این عنوان در اصل پیش زمینه‌ای است برای هدف اصلی و نهایی همه‌ی عالمیان برای رسیدن به یقینی‌عاری از شک و تردید و شاید نشریه حق الیقین بتواند قدم کوچکی در این راه بردارد.

ارتباط با ما

اینستاگرام:

<http://instagram.com/hagholiyagin.uma>

<http://instagram.com/adyanvaerfan.uma>

تلگرام:

@AoErfan_Uma

حق الیقین پذیرای انتقادات و پیشنهادات شماست.



سُورَةُ هُودٍ

رَزَقْنَاهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا
وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ
كَانَ عَرْشُهُ
وَلَيْسَ قَلْبُكَ
بِغَيْرِ كَفْرٍ
عَذَابٍ إِلَى
لَيْسَ



فصلنامه علمی-دانشجویی

حقوق البصیرة

شماره سوم، بهار ۱۴۰۱

انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی

